

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۷۸
سه شنبه ۱۳۵۹ آذر ۱۳، مطابق با
۱۶ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

نورالدین کیانوری

میهن انقلابی مادر لحظه کنونی

توطئه امریکائی
تجاوز دار و دسته صدام
چگونه طرح ریزی شد؟

این مقاله برای درج در شماره ۸ «دنیا» تهیه شده است. از آنجا که تا انتشار آن در «دنیا» مدتی به طول خواهد انجامید، نظر به اهمیت ارزیابی‌هایی که در آن انجام گرفته است، متن آن را در شماره امروز نامه «مردم» به چاپ می‌رسانیم.

تلاشهای امریکا برای فرار از قبول و اجرای شرایط ایران در مورد

طبق خبر خیرگزاری پارس، آقای محمدعلی رجائی نخست‌وزیر، در مصاحبه مطبوعاتی، در پاسخ به این سؤال که: «آیا محاصره اقتصادی ایران، تعلیق دارائی‌های ایران و روابط خارجی و فروش نفت به نحوی می‌تواند با گروگانها مرتبط باشد؟» گفتند: «از نظر ما مسئله گروگانها تمام شده است و اظهار نظر مجلس هم بسیار گویا و روشن بوده».

آقای نخست‌وزیر اضافه کردند: «ما امیدوار بودیم که دولت آمریکا، که سعی در آزادی گروگانها داشت، بدنبال یک نوع مذاکرات طولانی نمی‌رفت. اما آنچه که مسلم است، دولت امریکا

ترجیح داده که این مسئله را با بعد سیاسی حل کند».

آقای نخست‌وزیر تاکید کردند که: «وضع ما در این زمینه روشن بقیه در صفحه ۲»

مدافعان انقلاب در جبهه جنگ پیشروی خود را آغاز کرده‌اند

به گزارش دفتر مرکزی خبر از اهواز، که ساعت ۱۲:۴۰ ظهر دیروز اعلام شده است، به سبب تضعیف روحیه نیروهای متجاوز صدامی بر اثر شکستهای پی در پی و مقتضای جبهه‌های جنگ خوزستان و عقب‌نشینی دشمن در اکثر جبهه‌ها، دلاوران رزمنده انقلاب، سنگرها و مواضع مزدوران صدام در دب حران و اطراف کارخانه نورد را شدیداً زیر آتش توپخانه خود قرار دادند، که تا ساعت ۱۴ دیروز نیز این نبرد ادامه داشته است.

خبرنگار خیرگزاری پارس از قول یک مقام موقد در اهواز گزارش داد که «روز گذشته مدافعان اسلام در جبهه اهواز تلفات سنگینی بر دشمن متجاوز وارد ساختند. در نبرد روز گذشته، ۲۶ دستگاه تانک، دو دستگاه خودرو، یک دستگاه بولدوزر و ۱۴ دستگاه خودروی حامل مهمات دشمن منهدم شد و چند صد تن از مزدوران بعث عراق به هلاکت رسیدند و ۲۶ تن نیز اسیر شدند. خبرنگار خیرگزاری پارس همچنین طی تماسی با فرمانده لشکر اهواز کسب اطلاع کرد که ارتش جمهوری اسلامی ایران

امروز صبح با اجرای آتش دقیق توپخانه، موفق شد مزدوران بعث عراق را در شمال رودخانه کرخه - کور از مواضع اشغالیشان وادار به عقب‌نشینی کند.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر ظهر دیروز از آبادان گزارش داد که نبرد شدید میان مدافعان انقلاب و متجاوزان عراق در اطراف شهر آبادان و جاده ماهشهر - آبادان همچنان ادامه دارد و رزمندگان ما در برخی از قسمتهای این جبهه به پیروزیهای دست‌یافته و شروع به پیشروی کرده‌اند.

خبرنگار خیرگزاری پارس نیز گزارش داد که صبح دیروز «بر اثر آتش شدید رزمندگان اسلام، دو انبار و یک خودروی حامل مهمات مزدوران عراقی منهدم شد».

اخبار دیگری که دیده‌بانان انقلاب در خط مقدم جبهه در اختیار خبرگزاری پارس قرار دادند حاکیست که «در طول یکشنبه شب، بعثت آتش شدید نیروهای مدافع انقلاب اسلامی ایران مزدوران عراقی حدود ۲ کیلومتر دیگر از مواضع خود عقب‌نشینی کردند».

چه کسانی از سیاست حمله و اشغال سود می‌برند؟

حزب توده ایران باهرگونه نقض قوانین و در راس آن حمله و اشغال مخالف است و اینگونه شیوه‌ها را، که طراح اصلی آن امپریالیسم و ضدانقلاب است، بزیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌داند.

پروا باریگر مصرانه می‌خواهیم، همانطور که در مورد «میزان» عمل شد، دفاتر حزب توده ایران در اسرع وقت بما برگردانده شود.

صبح روز سه‌شنبه گذشته (تاسوعا) گروهی به دفتر روزنامه «میزان» حمله کردند و ضمن شکستن وسائل آن، شماره‌های مینی بر مخالفت با انتشار این روزنامه بر دیوارهای آن نوشتند. ساعتی بعد ماموران کمیته این گروه را از دفتر «میزان» اخراج و دو تن از آنها را دستگیر کردند. عصر روز چهارشنبه گذشته (عاشورا) نیز، هنگام سخنرانی استاد محمدتقی شریعتی، گروهی چاقو بدست به «کانون نشر حقایق» در مشهد حمله کردند و اثاثیه آنجا را ذره شکستند و چند نفر را مجروح کردند.

این حملات، که برای اولین بار انجام گرفته و مسلماً در صورت عدم مبارزه قاطعانه با آن، آخرین هم نخواهد بود، هشدار دهنده و عبرت‌آموز است.

برای رسیدن به ریشه‌های این حملات - که خود حلقه‌ای از زنجیره طولانی حملات چاقوکاران از آستانه انقلاب تا امروز است - باید به زمینه‌ای که این حملات بر متن آن انجام شده است، توجه کرد و دید که چرا فاجعه‌ها در لحظه معینی بخصوص به روزنامه «میزان» و «کانون نشر حقایق» مشهود حمله میشود و چه نتایجی از آن مورد نظر طراحان حمله است؟

در روزهای قبل از این حملات، جامعه ما سرگرم جنگالی بود که مخالف معینی زیر پرچم «آزادی» برپا کرده بودند، گفته میشد که «در ایران آزادی از بین رفته است»، «هیچکس حق حرف زدن ندارد» و خلاصه در ایران فاشیسم مستقر شده یا در حال استقرار است. هسته اصلی این تبلیغات هم عبارت از این بود که «حتی مسلمانها هم نمی‌توانند حرف خود را بزنند».

چه کسی این «آزادی»ها را سلب کرده بود؟ همان مخالف،

که با تمام نیرو درباره از میان رفتن «آزادی» تبلیغ می‌کردند، با صراحت آدرس حزب توده ایران را میدادند و تلویحاً روحانیت مبارز را متهم میکردند. بسخن دیگر، درست در زمانی که فریاد «آزادی از دست رفت» از طرف مخالف معینی بلند بود، درست در هنگامیکه حمله به روحانیت مبارز و حزب توده ایران از طرف مخالف معینی تشدید شده بود و درست در روزهای مذهبی تاسوعا و عاشورا، که توده‌های مردم به خیابانها می‌آیند، شاهد از «غیب» میرسد!

به نظر ما حملات یاد شده و حملات آینده در این زمینه‌ها، نمی‌تواند از سه حالت خارج باشد:

- ۱- امپریالیسم از طریق شبکه‌های ساواک‌سیا، با کمک مائو-ئیستها، دست به این حملات زده است.
- ۲- مخالف معینی که فریاد «روای آزادی» سر داده‌اند، خود محرک و مجری این حملات بوده‌اند.
- ۳- چند جوان ناآگاه احساساتی

بقیه در صفحه ۷

تسلیت

با تاسف فراوان اطلاع یافتیم که مادر گرامی رفیق عزیز ما انوشیروان ابراهیمی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، که یکی از زنان مبارز کشور ما بود، درگذشته است.

ما این ضایعه را به رفیق عزیز انوشیروان ابراهیمی و خانواده محترم ابراهیمی صمیمانه تسلیت می‌گوییم و خود را در اندوه ایشان شریک میدانیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان
سازمان جوانان توده ایران
سازمان جوانان توده ایران - سازمان ایالتی آذربایجان

فصل نوینی در روابط جمهوری اسلامی ایران بالیبی

هشتمی رفسنجانی این مطلب را خاطر نشان ساخت که: «انقلاب لیبی با نام اسلام پیروز شد، چنانکه انقلاب ایران با نام اسلام پیروز گردید. اسلام حقیقی، اسلام کارتر، اسلام بگین و اسلام ریگان نیست، که ما در کشورهای سعودی و مصر و اردن می‌بینیم».

نخست‌وزیر لیبی افزود: «ما با انقلاب اسلامی ایران وحدت استراتژیکی داریم» (اطلاعات دوم آذرماه ۵۹)

تاکید نخست‌وزیر لیبی بر روی اسلام حقیقی و تفاوت آن با اسلام کارتر و نیز بیان این مطلب که انقلاب لیبی با انقلاب اسلامی ایران وحدت استراتژیکی دارند، نمایانگر واقعیتی است که ما نیز همواره بر روی آن تاکید داشته‌ایم، و آن اینکه: دوستان و دشمنان واقعی انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران را طبق معیارها و مواضع انقلابی و شناخت ماهیت ضدامپریالیستی رژیمهای حاکم بر کشور - های منطقه و روابط و وابستگی و یا عدم وابستگی آنها به امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بایستی تمیز داد و براساس چنین معیارهایی باید روابط جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای منطقه و کشورهای جهان بطور کلی برقرار ساخت.

مسافرت حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به کشورهای الجزایر، لیبی و سوریه و ملاقات و گفتگوی ایشان با رهبران این کشورها و تبادل نظر و تشریح مواضع طرفین در مورد جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، مسائل منطقه و

بقیه در صفحه ۲

دیدار و گفتگوی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، با رهبران لیبی سرآغاز فصل نوینی است در روابط جمهوری اسلامی ایران با لیبی. یکی از ویژگیهای برجسته و بنیادی این مرحله جدید در روابط میان دو کشور آنستکه، این روابط برپایه شناخت و اقمیتبهای انقلاب دو کشور، مواضع سیاسی آنان نسبت به مسائل مربوط به مبارزه با دشمنان واقعی انقلاب، یعنی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست‌نشانده و هوادار آن در منطقه و هم‌آهنگ‌ساختن نظریات و برداشتهای طرفین نسبت به تعمیق و پیشرفت آتی روند انقلابی در منطقه استوار است.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در آستانه مسافرت خود به کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه و لبنان، طی یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

«از نظر موقعیت موجود و جنگ جاری فکر میکنم مفید است که ما آنجا برویم و مواضع سیاسی خودمان را و موضعی را که در جنگ داریم، تشریح کنیم و بخاطر حساسیت موقع، با این برادرانی که دوستی‌شان ثابت شده و میشود روی دوستی‌شان حساب کرد، سیاست هم‌آهنگی در مسائل جاری منطقه و دنیا اتخاذ کنیم».

طی همین مصاحبه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود: «ما از اول پیروزی انقلاب این خط را تعقیب می‌کردیم که نیروهای انقلابی اسلامی در منطقه باید با هم همکاری کنند» (اطلاعات، ۲۹ آبانماه ۵۹)

عبدالسلام جلوه، نخست‌وزیر لیبی، در ملاقات با حجت‌الاسلام

در صفحات بعد

پیام به روستا نشینان شمال کشور

کارگران خراسان همگام با سایر زحمتکشان آماده دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند

صفحه ۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تلاشهای امریکا...

بقیه از صفحه ۱

میشاهد و افزودند که: «بحث خاصی در مورد محاصره اقتصادی نیست. امریکا مسئله را بگونه‌ای طرح میکند که نشاندهنده آنست که متوجه مسئله نشده و ما در صددیم که توضیحات بیشتری در این باره بدهیم.» (جمهوری اسلامی - ۱ آذر ۱۳۵۹).

بطوریکه می‌دانیم، مجلس شورای اسلامی ایران پس از چند روز مذاکره، پیشنهاد ۴ ماده‌ای صریح و روشن دکمسیون ویژه بررسی مسئله جاسوسان آمریکایی را در ۱۱ آبانماه ۵۹ به تصویب رساند. فردای آنروز، یعنی ۱۲ آبانماه ۵۹ (طبق خبری که خبرگزاری فرانسه روز بعد منتشر کرد) سفارت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر در واشنگتن، که حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران در آمریکا است، متن رسمی شرایط ایران را به وزارت امور خارجه امریکاتسلیم کرد. اکنون بیش از ۲۰ روز از آن تاریخ میگذرد و دولت امریکا، که سنگ جاسوسان خود را در همه مجامع بین‌المللی پینه‌زده و میزند، نشان میدهد چندان شتابی هم به بازپس گرفتن آنها ندارد! خبرگزاری فرانسه، در همان خبری که تسلیم پیشنهادهای ایران توسط سفیر الجزایر به وزارت خارجه امریکا را اطلاع میداد، ضمناً مصاحبه کوتاه وزیر خارجه امریکا، ادموند ماسکی، را نیز منتشر ساخت. در آن مصاحبه بویژه دو نکته جلب توجه میکرد:

«ادموند ماسکی وزیر خارجه امریکا گفت... هنوز بسیاری از مسائل باید روشن شود. ماسکی

افزافه کرد که شرایطی که ایران برای آزادشدن گروگانها قایل شده، باید با هدفهای اصلی امریکا سازگار باشد.»

(اطلاعات، ۱۳ آبان ۱۳۵۹)

درباره نکته اول باید گفت که: پیشنهادهای مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران، چنانکه رهبران عالی‌رتبه و مسئول جمهوری اسلامی ایران به کرات توضیح داده‌اند، کاملاً روشن و بسیار گویاست:

۱- عدم دخالت مستقیم و غیر مستقیم سیاسی و نظامی در امور ایران،

۲- آزاد گذاشتن کلیه سرمایه‌ها، اموال و داراییهای ایران که در امریکا یا موسسات متعلق به دولت یا اتباع امریکا در سایر کشورهاست،

۳- لغو و ابطال همه تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه ایران و کلیه دعاوی و ادعاهای دولت امریکا و موسسات و شرکتهای امریکایی علیه ایران به‌ر صورت و بهر عنوان،

۴- بازپس دادن اموال شاه معدوم و بستگان نزدیک وی و برسمیت شناختن و ناقد دانستن اقدام دولت ایران در اعمال حاکمیت خود مبنی بر مصادره این اموال. بخوبی دیده میشود که این ۴ مسئله نه بسیارند و نه تاریک، تا نیازمند توضیحات طولانی بوده باشند. معذالک، چنانکه آقای رجائی نخست‌وزیر هم متذکر شده‌اند، میتوان توضیحات بیشتری هم داد.

اما بهانه بودن اینگونه اظهارات، از نکته دومی که همانوقت ماسکی بصراحت بیان داشته بود، بخوبی آشکار میشود، یعنی لزوم «سازگاری» شرایط آزادی جاسوسان آمریکایی «باهدفهای اصلی امریکا»!

برای مردم ایران کوچکترین

شکی وجود ندارد که هدفهای اصلی امریکا، عبارت از براندازی جمهوری اسلامی ایران، محو همه دستاوردهای انقلاب شکوهمند ایران و احیای سلطه خانمان- برانداز امریالیسم، بسرکردگی امریکا، بر ایران است. مردم ایران خوب میدانند که امریکا دشمن اصلی ایران است. رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، به کرات متذکر شده‌اند که امریکا اگر امروز یا فردا به این «هدف اصلی» خود نرسد، باز هم از پای نخواهد نشست، پنجاه سال دیگر هم باشد به توطئه و تحریک و خرابکاری برای رسیدن به این مقصود پلید و شیطانی خود تلاش خواهد کرد.

روشن است که مردم ایران در مقامات مسئول جمهوری اسلامی نمیتوانند با شرایطی موافقت کنند که راه احیای مجدد سلطه امریالیسم امریکا بر ایران را هموار سازد. بهمین دلیل نیز آنها اولین شرایط آزادی این جاسوسان گروگان را عدم مداخله مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی و غیره در امور جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند. و اجرای همه شروط دیگر هم باید بگونه‌ای باشد که، این عدم مداخله و بالتبع استقلال واقعی ایران را تأمین و تضمین کند.

مردم ایران در تظاهرات و راهپیمائی‌های میلیونی خود متذکر شده‌اند که امریکا «گروگانها» را نه، بلکه ایران را میخواستند. دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق کیانوری، در جلسه توبتی «پرسیش و پاسخ» (۸ آبانماه ۵۹) این نکته را به تفصیل روشن کرد و گفت:

«به نظر ما مسئله «گروگانها» اصلاً نه مسئله عمده انقلاب ایران

فصل نویسی در روابط...

بقیه از صفحه ۱

نقش تخریبی و توطئه‌گرانه امریالیسم امریکا در منطقه، بدون تردید به نزدیکی و انطباق هرچه بیشتر مواضع جمهوری اسلامی ایران با کشورهای پادشاهی و تدوین يك سیاست هماهنگ در جبهه متحد رژیمهای مستقل ملی و ضد امپریالیستی منطقه در برابر نقشه‌های تجاوزگرانه امریالیسم و صهیونیسم و رژیمهای ضدخلقی و وابسته به امریالیسم مساعدت خواهد کرد.

توافق درباره ارتقاء نمایندگی دیپلماتیک دو کشور جمهوری اسلامی ایران و لیبی به‌سطح سفیر را، که یکی از نتایج دیدار حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با رهبران لیبی است، میتوان نشانه‌ای از موفقیت‌آمیز بودن این دیدار ارزیابی کرد.

مسافرت هیئت نمایندگی ایران بریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران به لیبی و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری، در عین حال بویژه آنستکه گرایشهای سالم و انقلابی در تدوین خط‌مشی سیاسی واقع‌بینانه در روابط ایران با کشورهای منطقه در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تفوق می‌یابد و راه را برای گسترش و استحکام مواضع بین‌المللی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و جلب هرچه بیشتر پشتیبانی نیروهای اصیل انقلابی و ضدامپریالیستی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و بمقیاس جهانی میکشاند.

است و نه مسئله عمده مناسبات ایران با دنیای امریالیستی. مسئله عمده امریالیسم در مورد انقلاب ایران این است که میخواهد انقلاب ایران را ازین ببرد. حالا اگر در این راه، نه فقط ۵۴ «گروگان»، بلکه صد هزار امریکایی هم کشته شوند، باز از این سمت‌گیری و هدف‌گیری دست بردار نخواهد بود.» (نامه مردم - ۲ آذر ۱۳۵۹).

اکنون که بیش از ۲۰ روز از تسلیم پیشنهادهای ایران به دولت امریکا میگذرد، همه تلاشها و اظهارات نمایندگان دولت امریکا، نظیر کش دادن مسئله، چسبندگی مسئله مشخص و روشن را «بسیاری مسائل نیازمند توضیحات» قلمداد کردن، بدنبال یک‌گونه مذاکرات طولانی رفتن، همه و همه بار دیگر صحت ارزیابی فوق،

این هفته در مردم بزبان کردی می‌خوانید:

- تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری در عراق،
- شعار راهپیمایی میلیونی مردم در روزهای تاسوعا و عاشورا؛
- محرم، ماه خون، ماه شهادت امریکا، مظلم ظلم و جنایت - ریگان هم مانند کارتر هیچ غلطی نمی‌تواند بکند،
- بمناسبت سالگرد تاریخی پیام امام خمینی درباره کردستان: حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله کردستان همچنان در دستور روز کار دولت است،
- کارگران کردستان میتوانند توطئه‌های ضدانقلاب را خنثی کنند،

نامه مردم بزبان کردی هر هفته سه شنبه‌ها منتشر می‌شود

را نمی‌دهند، گروگانهای جاسوس باید محاکمه شوند.»

مسئله روشن است: برای امریکا راهی وجود ندارد جز اینکه شرایط ایران را ببیزد و مردم ایران هدفی جز این ندارند که این شرایط را به امریکا بقبولانند. لذا تلاشهای امریکا برای فرار از قبول اجرای شرایط معقول و منطقی و بحق ایران در مورد «گروگانها» بیپوده است.

در مطبوعات کشور

سازش و مماشات با پایگاههای امپریالیسم نه خواست امام است نه خواست امت

عمر این جامعه کوتاه‌تر است. ما از جهان دیده می‌بینیم و اما مستضعفین همچنان هستند و ناظر خواهند بود که چه کسی راه حق رفت و چه کسی راه ناحق پیومد، و این سیر تاقیامت ادامه دارد و نه تا پایان زندگی کوتاه ما.

در اینکه چماق کشی کار صالحان نیست، شکی نداریم. اما می‌خواهیم باین آقایان یکبار دیگر گوشزد کنیم که چوب و چماق را اولین بار چهره‌های مظلوم! طرفدار خودتان نظیر تیمسار مدنی مد کردند. و از کجا که همین حالا هم این جریانات را همان سیستم رو به زوال که می‌خواهد خودش را مظلوم وانمود کند، برانهداند؟

چوب و چماق را در تاریخ پنجاه ساله اخیر ابتدا رضاخان قلدر و بعد پسرش با بهره‌گیری از وجود شعبان بی‌مخ‌ها وسیله قراردادند. اما گذشتن این حرکت غیر اسلامی و غیرانسانی از مرز انقلاب ما بوسیله همین آقایان پانیسست صورت گرفت. اینها همه میدانند که ناسیونالیسم گرائی افراطی این تحفه رضاخان را باینسوی مرزهای انقلاب پدک کشیده، همانهایی که موقع فرار از ایران دل آقایان لیبرال برایشان می‌طیبد، حالا خود ایشان آنتی‌چماق شده‌اند؟

چنین حرکتی را در هر دو شکل تقبیح می‌کنیم: شکل اول این است که عده‌ای بخواهند با این کار نست فاشیسم بر انقلاب اسلامی بدهند، که این عمل جز خوار کردن انقلاب در انظار جهانیان هدف دیگری را دنبال نمی‌کند و کسانی که اینگونه حرکت را رهبری می‌کنند، در خدمت ضدانقلاب هستند. و شکل دوم موضوع این است که گروهی برای حمایت از اسلام و بصورت يك عمل خودبخودی به اینگونه روشها متوسل شوند، که باید بدانگونه افراد هشدار داد که عمل آنها ناآگاهانه در جهت تضعیف مواضع مرفی اسلام است و موجب می‌گردد تا نیروهای مخالف مسئله را بزرگ کنند و ما را فاشیست و طرفدار اختناق جلوه دهند پس لازم است که بخصوص جوانان را از رشاد و راهنمائی کرد و برایشان روشن نمود که راه مبارزه با جریانات

منفی اجتماعی‌تر افشاگری چیز دیگری نمیتواند باشد. باید به جوانان قیامند که تهاجم بر مواضع دیگران دزدانی که حاکمیت در دست اسلام است، باید تهاجم ایدئولوژیک باشد. چه اینگونه شیوه‌های نادرست در چهارچوب جمهوری اسلامی شیوه حکومتی ما نیست. این شیوه‌های فاشیستها و پانیسست‌هاست که حالا خودشان را آنتی‌چماق معرفی میکنند، نه شیوه يك مسلمان معتقد که نیرویش بر ایمانش و اندوخته فکری و دانش او استوار است. قلم‌های ما برای تخریب ایدئولوژیکی مواضع انحرافی و ارتجاعی است و تاروژی که نویسندگان متعدد اسلامی قلم بر زمین نگذاشته‌اند، نیازی به طعینهای ناخودآگاه نیست.

«لیبرالیسم پدیده‌ای است سرمایه‌داری که هر وقت به مصلحت او باشد، زور میکوید و هر وقت به‌صلاحش نباشد، دم از آزادی میزند. لیبرالیسم افعی دوسری است که از يك‌سر زبان نرم بیرون می‌آورد و از سردیگر نیش‌های زهر آلود. هر زمان شاه حکومت کند دم از سلطنت میزند و هر زمان که واژگون شود، خود را عامل‌واژگونی آن می‌نمایاند.

هر روز تجربه‌ای است تازه. ما لیبرالیسم را از دیدگاه لنین بزبان نمی‌آوریم. لیبرالیسم را ما با تجربه خود تعریف می‌کنیم. آنقدر تجربه خواهیم کرد تا لیبرالیسم را به مفهوم کامل آن تعریف کنیم. معلم ما کتابهای دست‌نویس غرب نیست. معلم ما قرآن است و افکار ما با الهام از آن و تجارب تاریخ و درسی که مستضعفین بما میدهند رشد می‌یابد. ما بخوبی آگاهیم که اگر دل به زبان نرم این افعی دوسر بندیم و گوش به‌لالایی او فرا دهیم آن زمان در خوابمان خواهد کرد، نیشمان خواهد زد...

ما بخوبی آگاهیم که سازش و مماشات با پایگاه‌های امپریالیسم نه خواست امام است و نه خواست امت. ما بخوبی آگاهیم که تکنولوژی و صنعت و کشاورزی مدرن و برپائی دانشگاهها و مراکز آموزشی انقلابی برای پشت سر گذاشتن دوران ذلت‌بار وابستگی بموازات سرنگون‌ساختن عمال فاسد طاغوت اموری هستند حیاتی، که الزاماً و آگاهانه باید بوسیله متخصصان متعهد این سرزمین، در کنار توده‌های میلیونی مردم حیاتبخش آینده‌های روشن تسلسل‌دهی‌بند باشند. ما مشتی امل فناتیک نیستیم که معنا و مفهوم علم را فداییم از فیزیك اتمی گرفته تا بیولوژی و پزشکی و حقوق قضائی و سنیاسی همه و همه را برای پیشبرد اهداف انقلاب بکار خواهیم گرفت. ما دست در دست با الهام از قرآن و با پاسداری از اصول استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بنای يك اجتماع توحیدی را خواهیم گذاشت که نه کسی به دیگری زور گوئی و اجحاف کند و نه چوب و چماق بالای سر کسی باشد و نه زندانی داشته باشیم. چون ما مسلمانیم، چون ما مار دوسر لیبرالیسم نیستیم،

(آزادگان - ۲ آذر ۵۹)

پیام به روستائینان شمال کشور

پاسخ مسئولان
به خواستهای
دهقانان

از جانب فرماندار اسپیدان - استان آذربایجان - فارس - نامه ای به شماره ۱۸۵۵، مورخ ۵۹/۷/۷، در باره مسائل مطروحه در نامه "مردم" رسیده است، که در آن چنین می‌خوانیم: ... روستای تنگ خیاره بیضا، مانند تمام روستاهای ایران در زمان سابق، بواسطه عدم تسهیلات زندگی از قبیل آب و برق و راه و بهداشت و غیره، عده‌ای به شهرها مهاجرت نموده‌اند و در مورد مالکین، گروه تحقیق هیات هفت نفری واگذاری زمین مشغول به کار تحقیق و واگذاری زمین در تمام دهستان بیضا می‌باشد و امکان این که عشاير در موقع عبور بيه زراعت روستائیان خسارت برسانند وجود داشته که به موقع توسط پاسگاه‌های ژاندارمری اقدام لازم عمل آید. فرماندار اسپیدان - اردلان - از توجه مسئولان امر به انعکاس خواست‌های دهقانان در صفحات روزنامه سپاسگزاریم و امیدواریم هیئت ۷ نفری، با احساس مسئولیت عظیم تاریخی خویش به مسائل مربوطه حداکثر توجه را مبذول دارند. نامه "مردم" همچنان آماده است که نظریات دهقانان تنگ خیاره بیضا را به اطلاع مسئولان امر برساند.

وام‌های
کشاورزی را
بصورت
جنسی
و خدماتی
بموقع
و بطور جمعی،
بنحویکه در
تولید
مؤثر باشد
به
شورای ده
و
به تعاونی‌ها
برسانید

روستائیان شمال کشور، خراسانی‌ها، ترکمن‌ها، مازندرانی‌ها، گیلانی‌ها، طالش‌ها، آذربایجانی‌ها، کردها!

میمن انقلابی ما مورد تجاوز قرار گرفته است. صدام حسین برای ضربه زدن به انقلاب ایران، با صلاح‌دید امریکا، به ایران یورش آورده است. مرزهای ایران با خون جوانان انقلابی ایران آبیاری می‌شود. روستاها بمباران می‌گردد. در شهرها مردم به جنگ تن به تن پرداخته‌اند. در جنوب و غرب کشور، مردم برای دفاع از وطن انقلابی مسلح شده‌اند. زنان و دختران دوشادوش مردان اسلحه برداشته‌اند. در مدارس، کودکان و نوجوانان زیر بمب‌های هواپیماهای دشمن کشته می‌شوند. امپریالیسم امریکا نقشه جهنمی نابودی انقلاب ایران را در سر شیطانی خود می‌پروراند.

در چنین شرایطی یک وظیفه اساسی متوجه همه روستائیان ایران، بخصوص روستائینان شمال کشور ما است:

همه چیز برای جبهه! همه کس در راه دفاع از میمن انقلابی! تا بیرون راندن دشمن از سرزمین ایران و تا درهم شکستن توطئه شیطان بزرگ امریکا!

شرکت در جبهه جنگ و شرکت در جهاد احیای کشاورزی و تولید هرچه بیشتر محصولات زراعی و دامی وظیفه مبرم انقلابی و میمنی همه ماست.

روستائیان آذربایجان! کوهپایه نشینان سیلان و سپند! دهقانان مناطق اردبیل، مراغه و ارومیه و تبریز مقاوم! مبارزان سلحشوری که اجدادتان با ستارخان، انقلابی بزرگ، مشروطیت را بایران زمین، به ارمان آوردند. ای عشایر آذربایجان، بپاخیزید!

ای مردان و زنان روستاها! برای نبرد در سنگرهای جنگ و برای پیکار بزرگ در کشتزارها و مزارع، صفوف خود را مستحکم کنید. شیطان بزرگ امریکای جهانخوار، با دست صدام حسین، آشکارا به ایران انقلابی تجاوز کرده است. جنگ سختی در پیش است. باید در این جنگ، هم در صحنه نظامی هم در عرصه اقتصادی، پیروز شد و به همه مشکلات فائق آمد. محصولات زراعی، گندم و جو را انبار کنید، همه زمینهای قابل کشت را بکارید، همه مهارت و تجربه خود را برای بدست آوردن محصول بیشتر بکار بندید. از محصول و دامها نگهداری نمائید، تپاله‌ها و بته‌ها را برای سوخت زمستانی جمع‌آوری کنید.

ما در مقابل دشمن تسلیم نخواهیم شد. زمستان سختی در پیش است، ولی بهار سرانجام فرا خواهد رسید و کشتزارها و بستانهای روستا سرسبزتر از پیش خواهد شد. صدام‌ها شکست خواهند خورد و امریکا از خلیج فارس و خاورمیانه خواهد رفت. در بسیج نام نویسی کنید و به پاسداران در جبهه و پشت جبهه کمک کنید. به تبلیغات و شایعات دشمن میدان ندهید. به نهادهای انقلابی و مقامات مسئول مراجعه کنید. به آنها کمک کنید و از آنها کمک بخواهید.

دهقانان گیلان! ای کسانی که اجدادتان به همراه میرزا کوچک خان جنگلی و حیدر عمو اوغلی، جنگلها و بیشه‌های گیلان را با خون خود آبیاری کردند؛ کوهپایه نشینان دیلمان! به دهقانان خوزستان و عشایر زاگرس یاری برسانید. شما نخواهید گذاشت که امروز صدام‌ها در خوزستان پیروز شوند، تا خود بتوانید از دهات و مزارع، خانه و وطن و ناموس خود در برابر امریکائیان خونخوار دفاع کنید.

روستائیان، جنگل نشینان طالش! هیزم‌ها را خورد کرده، ذخیره کنید. مواظب جنگل‌ها باشید. اجازه قطع بی‌رویه درخت را ندهید. از گاو میش‌ها نگهداری کنید. آنسوی میمن انقلابی شما مورد تاخت و تاز قرار گرفته است. دشمن غدار باز به ایران زمین تجاوز کرده و خیال خام بازگرداندن رژیم ظلم رژیم شاه ملعون را دارد. هم‌اکنون اهالی غیور و از جان گذشته، سربازان دلیر و پاسداران دلاور مشغول دفاع از میمن انقلابی هستند. با هر وسیله‌ای که در دست دارید، به آنان یاری برسانید.

زنان روستائی گیلان و مازندران! در بیجارها، و شالیزارها، برنج بکارید و در دهکده‌ها مرغ و خروس نگهدارید؛ از زندگی فردای کودکان خود در جبهه و پشت جبهه دفاع کنید. برادران و فرزندان و شوهران شما در جنگ یا دشمن به تلاش پرتوان شما احتیاج دارند. موفقیت شما در مزارع، پیروزی آنان در جبهه است.

دهقانان مازندران! ای جنگل نشینان طبرستان، ای دلاوران، ای زنان و مردان کوهپایه نشین البرز! با حمله به خوزستان قهرمان، دشمن غدار سراسر میمن انقلابی ما را مورد تهدید قرار داده است.

سرزمین نفت خیز جنوب با خون پاسداران قهرمان و سربازان دلیر و روستائیان دلاور ایران آبیاری می‌شود. بپاخیزید! خوزستان و لرستان از شما یاری می‌خواهند!

به جبهه جنگ کمک برسانید، به سپاه پاسداران مراجعه کنید و به ستاد بسیج بروید. در پشت جبهه از محصولات غذایی، از دام‌ها و کشتزارهای خود حراست کنید. جنگلها را نگهداری کنید. اتحادیه‌های دهقانی و کمیته‌های دفاع را تشکیل دهید، پیروزی از آن شماست.

ترکمن‌های چابک سوار روستائینان! دهقانان پنبه‌کار ترکمن صحرا! شما مزرعه‌بیدادگری امپریالیسم را چشیده‌اید و زجر عمال داخلی آنان را بیش از همه دیده‌اید. انقلاب ایران، که شما نیز در مبارزات طولانی خود سهمی در آن داشته‌اید، با یک توطئه خطرناک روپرو شده است. بپاخیزید تا از انقلاب ایران دفاع کنید! روستائیان ایران در این پیکار نه تسلیم خواهند شد و نه سازش خواهند کرد. پس باید هرکسی که میتواند، شجاع و دلاور، اسلحه بگیرد و به یاری اهالی جنوب و غرب، پاسداران قهرمان و سربازان دلاور به جبهه برود و به نبرد با امپریالیسم امریکا پردازد.

دهقانان ایران نخواهند گذاشت که ایران و ایران شود. هرکسی که میتواند باید با تمام نیرو و فداکاری، بیشتر کشت کند و تولید بیشتر بدست آورد. خرد کردن محاصره اقتصادی امریکا و تامین آذوقه برای کشور، نبرد و جهاد بزرگی است علیه شیطان بزرگ. جنگ با دشمن هم در جبهه و هم پشت جبهه!

روستائیان شمال ایران - همچنانکه امام خمینی گفتند - تا ۵۰ سال هم شده با امریکا خواهند جنگید و ما محتاج مردم کشور و مدافعان مرزهای ایران را با کار مداوم و حیاتی خود در پشت جبهه، در مزارع، تامین خواهند کرد و تسلیم نخواهند شد.

دهقانان و آفتاب نشینان و عشایر خراسان! ای روستائیان که سرزمین شما زادگاه ابومسلم و مدفن امام هشتم شیعیان امام رضا است. ای سرزمین حماسه‌های بزرگ، ای فرزندان فردوسی! یکبار دیگر ایران از جنوب و جنوب غربی کشور مورد تجاوز قرار گرفته است. بپاخیزید!

سرودهای دلاوران و شهیدان وطن را بسرائید. اینبار بجای افراسیاب تورانی، غارتگر امریکائی، و بجای خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس، دارودسته صدام بایران تجاوز کرده‌اند. هم‌اکنون قهرمانان وطن از دیبها، روستاها و شهرهای خونین ایران دفاع می‌کنند و جلو تاخت و تاز دشمنان را گرفته‌اند.

شما نیز در پشت جبهه، در خراسان، در گاهواره استقلال ایران، به برادران خود کمک و یاری رسانید و از میمن انقلابی خود دفاع کنید. هم‌در سنگر، هم در مزرعه، از دامها و محصولات خود حراست کنید. در فکر سوخت زمستانی خود باشید. یک پر کاه و یک مشت چوب خشک را هدر ندهید. در مواقع ضروری به یاری سربازان وطن دوست و پاسداران انقلابی بشتابید! فرمانهای بسیج و سپاه را اجرا کنید و در رابطه دائمی با نهادهای انقلابی باشید.

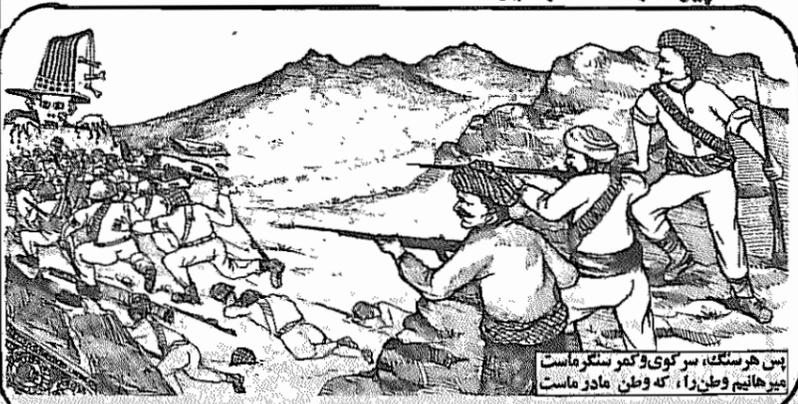
کردهای قوچان! دهقانان، زنان و مردان روستاها، بپاخیزید! لباسهای کردی را به تن کنید، قطارهای فشنگ را ببندید و سلاحها را بدست بگیرید، زیرا دشمن به روستاها و شهرهای ایران هجوم کرده است. آستین‌ها را بالا بزنید، وسائل کار را بدست بگیرید، دامها را پرورانید و مزارع را بارور سازید.

همگی دست بدست هم دهیم، تا بر امریکای جهانخوار و عمال ضدانقلابی آن در توطئه‌های مداومش پیروز شویم.

مرگت بر امریکای جهانخوار!

نابودیاد دارودسته متجاوز صدام حسین!

پیروزیاد انقلاب ایران!



پس هر سنگ، سر کوی و کمر سنگر ماست
میرانیم وطن را، که وطن مادر ماست

اکنون دیگر کم‌تر کسیست که از حداقل حسن‌نیت و درک سیاسی برخوردار باشد و تردید داشته باشد که تجاوز عراق به ایران یک توطئهٔ ریشه‌دار و دامنه‌دار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

البته ستون پنجم مستقیم و غیرمستقیم امپریالیسم جهانی و همهٔ کسانی که دلشان برای سازش و تسلیم در برابر امپریالیسم آمریکا و یاسازش و تسلیم در برابر امپریالیست‌های اروپای غربی و ژاپن لک‌زده است، با تمام نیرو می‌کوشند این واقعیت عیان را چنان در پرده‌های از ابهامات بیوشاننده که بتوان آمریکا و امپریالیست‌های اروپا و ژاپن را از زیر صرغهٔ مستقیم بیرون آورد. ولی زندگی نشان داد که این تلاش بیپوده‌ای بی‌جست نیست. هر روز که از این تجاوز جنایت‌بار می‌گذرد، بیشتر روشن می‌شود که توطئهٔ تجاوز عراق از مدت‌ها پیش در ستادهای امپریالیستی و پیش‌از همه در ستاد امپریالیسم آمریکا طرح ریزی شده و لحظه مناسب هم با صلاحیت و مشورت همهٔ دست‌اندرکاران تعیین گردیده است. اطلاعات دقیقی که در این زمینه در دست است نشان می‌دهد که از پیش از یکسال پیش و بدون تردید از همان فرآیند پیروزی انقلاب ایران؛ دارودستهٔ خائن صدام تک‌ریتی در عراق در ارتباط مستقیم با امپریالیسم آمریکا، ارتجاع منطقه و ضدانقلاب ایران در صدد تدارک مقدمات و زمینه‌ها این تجاوز برآمده است. اجزاء این تدارک عبارت بودند از:

۱- دام‌زنی به تشنجات درخوزستان و کردستان و فارس و بلوچستان ایران از راه رساندن اسلحه و مهمات و پول و سایر تدارکات به دسته‌ها و گروه‌های خرابکار،
۲- تلاش در بهره‌گیری از مسئلهٔ محرومیت‌های ملی خلق کرد و خلق عرب و کوشش همه‌جانبه در راه جلوگیری از هرگونه تفاهم میان دولت جمهوری اسلامی ایران و ریختن هرچه بیشتر نفت بر روی آتش اختلافات به وسیلهٔ عناصر سرسپرده‌ای مانند قاسطو و شیخ عزالدین و شیخ جلال حسینی و گرداندن گروهای ارتجاعی رزگاری و نقشبندی... و هم‌چنین گروهک‌های آتارشیستی مائوئیستی و نوامائوئیستی و تروتسکیستی و پیکاری و انواع و اقسام تریبچه‌های پوک دیگر در این مناطق،

۳- دادن امکانات وسیع و همه‌جانبه به ضدانقلاب ایران برای ایجاد پایگاه‌های تدارک و آماده‌کردن فراریان ضدانقلابی و ساواکی در داخل خاک عراق، دادن امکانات برای پخش رادیویی، تأمین ارتباط مستقیم ضدانقلاب سازمان یافته درون ایران با مراکز ضدانقلاب در خارج کشور از راه کردستان و آذربایجان غربی،

۴- آماده‌کردن نیروهای هوایی و زمینی و دریایی برای وارد آوردن "ضربهٔ نهایی قطعی" در لحظهٔ مناسب، یعنی وقتی که بر اثر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیستی، محاصرهٔ اقتصادی، تحرکات داخلی و فعالیت ضدانقلاب، وضع بحرانی در جمهوری اسلامی پیداشده باشد.

تا آنجا که امروز می‌توان بر مبنای خبرهای رسیده دربارهٔ گذشته قضاوت کرد، عراق قبلاً نیز در دو مرحله آماده تجاوز به ایران بوده است: یک بار در ارتباط با تجاوز نظامی آمریکا در طیس و کودتایی که در پیوند با این تجاوز، به وسیلهٔ نیروهای ضدانقلاب تدارک شده بود و دیگری در ارتباط مستقیم با کودتای آخرتیرماه. در هر دو مورد، هم گردانندگان ضدانقلاب ایران در عراق آماده بودند که در صورت موفقیت توطئه فوراً وارد میدان شوند و هم نیروهای عراق آماده بوده‌اند که در صورت درگیری دامنه‌دار نیروهای ضدانقلاب با نیروهای مقاومت انقلابی بی‌درنگ وارد عمل شوند و با وارد آوردن ضرباتی نظیر آنچه که در تجاوز کنونی انجام گرفت به یاری ضدانقلاب داخلی ایران بشتابند.

کلیهٔ خبرهایی که از درون گروه‌های سرسپرده به ضدانقلاب می‌رسید حاکی از این بود که پس از شکست توطئه کودتای تیرماه، امپریالیسم و ضدانقلاب مصمم گشته‌اند که ضربهٔ اصلی را از خارج از سرحدات ایران وارد سازند.

هشدار حزب تودهٔ ایران در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۹ مؤید این بود که امپریالیسم و ضد-انقلاب کار تدارک یک حملهٔ نزدیک همه‌جانبه از دریا و هوا و زمین را علیه جمهوری اسلامی ایران پایان داده و باید در هفته‌های آینده در انتظار چنین حمله‌ای بود. خبرها حاکی از این بود که این حمله با اقدامات نیروهای سازمان یافتهٔ ضدانقلاب در درون کشور توأم خواهد بود.

تا آنجا که ما اطلاع یافته‌ایم نقشهٔ تجاوز عراق به ایران بین آمریکا و محافل امپریالیستی اروپای غربی، مصر و عراق با موافقت سایر محافل ارتجاعی منطقه طرح ریزی شده بود. طبق این نقشه قرار بود که عراق با یک حمله غیرمنتظره، و با کمک سرسپردگان ضدانقلاب در ایران نیروهای هوایی و دریایی ایران را فلج کند و با استفاده از عدم آمادگی دفاعی نیروهای زمینی درخوزستان با یک حملهٔ وسیع خوزستان را اشغال نماید.

این مرحله می‌بایست در همان ۳-۴ روز اول تجاوز عملی گردد.

مرحلهٔ دوم تجاوز عبارت بود از تشکیل دولت "ایران آزاد" بختیار و اویسی.

روز ۵ مه‌ماه رئیس سازمان امنیت عراق به نمایندگی از طرف صدام حسین با سرانترین ضدانقلابی ایران بختیار، از هاری، آریانا، فریدون‌جم و اویسی دیدار و گفتگوئی داشته‌است، در این دیدار قرار گذاشته شد که با اشغال خوزستان "دولت" ضدانقلابی ایران تشکیل گردد و با کمک ارتش اشغالگر عراقی، درخوزستان و به احتمالی نزدیک به یقین در اهواز مستقر شود.

در همین تاریخ فعالیت دیگری در سوئیس به وسیلهٔ اردشیر زاهدی که نمایندهٔ جناح آمریکایی خانوادهٔ شاه مخلوع است، آغاز شد. زاهدی پس از دیدار رئیس ساواک عراق با او به مصر رفت و ضمن مشورت با انور سادات و اشرف پهلوی موافقت شد که "دولت ایران آزاد" با ترکیب وزیر لشکر و وزیر کشور و فریدون جم رئیس ستاد ارتش.

پیرو این موافقت‌ها بختیار و اویسی و فریدون جم به بغداد مسافرت می‌کنند و در انتظار "پیروزی‌های برق آسای" ارتش آقای صدام تک‌ریتی مشغول تریاک کشیدن و چرت زدن می‌شوند. صدام به بختیار صریحاً اطمینان می‌دهد که به مجرد تشکیل "دولت" جناب ایشان، عراق این دولت را به رسمیت خواهد شناخت و کشورهای عربی مانند مصر و عربستان و اردن و عمان به دنبال عراق خواهند آمد و آمریکا هم بلافاصله به این جنبه خواهد پیوست.

بردهٔ دوم نقشهٔ این بود که نیروهای آماده شده ضدانقلاب در مصر و عربستان و عمان و عراق، یعنی اسرمان سرسپرده و ساواکی‌های فراری وارد مناطق اشغالی شد و با کمک بخش مهمی از ارتش جمهوری اسلامی که امیدوار بودند به آن‌ها خواهند پیوست، "ارتش ایران آزاد" بختیار - اویسی را تشکیل دهند. آن‌ها امیدوار بودند که با این پیروزی "برق آسا" و "سراسر آور" و "کج‌کننده" نیروی دریایی جمهوری اسلامی هم یکجا به آن‌ها خواهد پیوست و دیگرکار تمام است.

البته این بردهٔ دوم نبود - بردهٔ سوم نقشه‌گذاری این بود که نیروهای ضدانقلاب در کردستان و آذربایجان شرقی، فارس و بلوچستان تمام منطقه غرب و جنوب ایران را به اشغال خود در آورند و به این ترتیب زمینه برای خفه‌کردن جمهوری اسلامی ایران کامل گردد.

با این مقدمات، امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ضدانقلاب ایران اطمینان مطلق داشتند که تا اواسط و یا حداکثر اواخر مه‌ماه و آغاز آبان‌ماه جشن آغاز سلطنت "کاملاً مشروطه و آزاد" رضا "سیم پهلوی" را در ایران خواهند گرفت.

آیندهٔ همهٔ "خواب‌های طلایی" بود که امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ضدانقلاب ایران به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای آرزوهای خود در زمینهٔ درهم‌شکستن انقلاب شگوهمند میهن ما دیده بودند.

ظاهراً نقشه با دقت بی‌سابقه‌ای طرح و تدارک دیده شده بود و طرح‌کنندگان و بویژه گردانندگان اصلی نقشه یعنی کارتر و برونسکی و سیا و پنتاگون آمریکا به خیال خود همهٔ عناصر و عوامل را خوب و دقیق سنجیده بودند. امپریالیست‌ها به کامیابی این طرح جهنمی خود علیه انقلاب ایران آن قدر مطمئن بودند که حتی امپریالیسم انگلیس کمی پیش از آغاز حمله برای اجتناب از پیامدهای ناگوار پشتیبانی مسلمی که از این تجاوز به عمل می‌آورد، در انگلستان به یک حمله و حشیانه علیه دانشجویان مبارز ایرانی دست زد و در ارتباط با آن اظهارات کاملاً آرام اعتراضی دانشجویان را در تهران بهانه قرارداد و سفارت خود را در ایران به طور کلی تعطیل نمود، به امید این‌که پس از انجام نقشه‌مانند بعد از ۲۸ مرداد-دوباره با پرچم "پیروزی" به ایران بازگردد.

امپریالیسم و ضدانقلاب برای محکم‌کاری و تأمین بدون تردید کامیابی نقشه اهریمنی خود در درون جامعهٔ ایران هم از همان فرآیند کودتای نوزدهم مهٔ امکانات خود را به‌کار انداخته و همهٔ سرسپردگان خود را آماده ساخته بود. این فعالیت ضدانقلاب وابسته به امپریالیسم در سه زمینه به طور چشم‌گیری شدت می‌یافت:

اول در زمینهٔ سازماندهی گروه‌های ضدانقلاب برای اقدامات احتمالی،
دوم در زمینهٔ تشدید هرچه بیشتر اختلافات میان نیروهای اصیل هوادار انقلاب، نه تنها میان نیروهای مبارز مسلمان و هواداران اصیل سوسیالیسم علمی بلکه میان خود نیروهای مبارز مسلمان برای منفرد ساختن وی اثر کردن نیروهای دیگر و آشتی‌ناپذیر ضد امپریالیست و باز کردن راه برای سازشکاران.

سوم در زمینهٔ تشدید بوق و کرنای "خطر کمونیسم"، "خطر حزب توده"، "خطر شوروی" منظور منحرف ساختن افکار عمومی مردم و حتی مسئولان کشور از خطر عمده و خطر واقعی یعنی توطئه در حال تکوین امپریالیسم و ضدانقلاب که به صورت تجاوز عراق آخرین مراحل عملی تدارک خود را طی می‌کرد.

ولی زندگی نشان داد که امپریالیسم و ارتجاع، به حکم قوانین تاریخی، به حکم ماهیت ارتجاعی و کوربینی طبقاتشان نمی‌توانند همهٔ عوامل را به درستی تشخیص دهند و در رویارویی با خلق‌های زنده، نیروی عظیم مقاومت این خلق‌ها را همیشگی‌تر و به مراتب کم‌تر از آنچه هست ارزیابی می‌کنند. این تجربه تنها در مورد انقلاب شگوهمند میهن ما نیست. در مورد بسیاری از انقلاب‌های جهان در دوران بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی که با جنگ جهانی اول و انقلاب کبیر اکثر آغاز گردید، این اشتباه در ارزیابی و محاسبات امپریالیسم وجود داشته و تقریباً به صورت یک قانون‌مندی درآمده است: اشتباه در نیروی انقلابی و مبارزانه و سازنده اولین انقلاب سوسیالیستی جهان، اشتباه امپریالیسم در جنگ جهانی دوم در ارزیابی نیروی عظیم مقاومت خلق‌های شوروی، اشتباه در نیروی عظیم انقلاب کوبا، اشتباه در ارزیابی نیروی شکست‌ناپذیر خلق‌های الجزایر ویتنام، خلق‌های محروم آفریقای سیاه و...

اشتباه در ارزیابی نیروی عظیم مقاومت انقلاب ایران در رویارویی با دسائس و توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب همهٔ حساب‌های "دقیق" امپریالیسم و مزدورانش مانند دارودستهٔ صدام تک‌ریتی، سادات و قابوس و ضیاءالحق را به هم ریخت و معلوم شد که برخلاف تصورات و انتظارات و آرزوهای خام این جنایتکاران، همان عاملی که آنان کم‌تر از همه در این ماجرا به حساب آورده بودند، به صورت یک عامل تعیین کننده درآمد. معلوم شد که انقلاب ایران با وجود همهٔ گرفتاری‌های درونی، با وجود همهٔ خرابکاری‌های عناصر ضدانقلاب، با وجود همهٔ کارشکنی‌های گروه‌های هوادار نزدیکی و سازش با امپریالیسم، با وجود همهٔ ماجراجوئی‌های عناصر فراطبی راست و گروهک‌های چپ‌نما، با وجود همهٔ دشواری‌هایی که به‌علل گوناگون عینی و ذهنی در حل مسائل مبرم اجتماعی انقلاب بوجود آمده، به طور غیرقابل مقایسه‌ای بیش از آنچه امپریالیست‌ها و دستگاه‌های جاسوسی آن‌ها تصویری کردند و کمیوت‌هایشان مورد تأکید قرار می‌دادند، توان ایستادگی در برابر یک چنین تجاوزی را دارد. یک‌بار دیگر در تاریخ چند دهساله اخیر به اثبات رسید که هر وقت نیروهای مردمی در صحنهٔ نبرد برای استقلال و آزادی و برابری به‌طور بیگیر و فعال حضور داشته باشند، دسیسه‌های امپریالیسم و ارتجاع شانس زیادی برای کامیابی ندارند.

پیامدهای توطئه امریکائی تجاوز عراق به ایران

بدون تردید این توطئه شیطانی شیطان بزرگ آمریکا که بدست قدرت‌طلبان خونخوار و شریک‌های صدام و دارودسته‌اش پیاده گردید، در کنار یک رشته پیامدهای دردناک و ناسفاور برای خلق‌های ایران و عراق، یک سلسله پیامدهای بسیار مثبت هم به همراه داشته است. البته آرزوی همهٔ میهن‌دوستان واقعی و هواداران راستین انقلاب ایران این بود که کاش این توطئه از آغاز سرنمی‌گرفت و این همه تلفات جانی و خسارات مادی برای مردم زحمتکش دوکشور بوجود نمی‌آمد - ولی بیرون از چهارچوب این آرزو و خواست خلق‌های محروم و زحمتکش ایران و عراق جنایتکاران بین‌المللی و خودی توانستند این جنگ برادرکشی را به مردم دوکشور تحمیل کنند. امپریالیست‌های آمریکا و همدستانشان انتظار داشتند که با این تجاوز بتوانند جمهوری اسلامی ایران را در هم‌شکسته، با اطلاق به تسلیم و سازش مجبور سازند. درست است که امپریالیسم به این هدف حداکثر خود نرسید، ولی نادرست است اگر تصور کنیم که امپریالیسم از این جنگ هیچ طرفی نیسته است.

۱- امپریالیسم جهانی به عنوان حداقل برد از این توطئه به‌خود وعده می‌دهد که در نتیجهٔ ضعف ناشی از خسارات سنگین جنگ، مقاومت مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل فشارهای امپریالیسم بویژه فشارهای اقتصادی و سیاسی کاهش خواهد یافت و دولت ایران، حتی در صورت شکست تجاوز عراق و بازگشت آن به سرحدات قانونی مجبور خواهد شد برای رفع مشکلات حاصله دست به دامان کشورهای امپریالیستی شود و بدین‌وسیله راه برای تجدید کام‌تگام سلطه‌های امپریالیستی هموار گردد.

۲- علاوه بر این در پشت پردهٔ دود حاصله از تجاوز عراق به ایران امپریالیسم موفق گردیده است حضور نظامی بی‌سابقهٔ خود را در منطقه خلیج فارس به میزان بازم وسیع‌تری گسترش دهد و خود را برای تجاوز مستقیم نظامی به ایران، در صورتی که همه نقشه‌های دیگرش با ناکامی روبرو گردد، آماده سازد.

درست به همین جهت باید در هر چه زودتر با بهره‌گیری از همهٔ امکانات، متجاوزین عراقی را از ایران بیرون انداخت و به آدمکشان صدامی لجام زد.

وظیفهٔ مسلم و مبرم مبارزان انقلابی ایران و همهٔ کسانی که از استقلال، تمامیت ارضی و آزادی میهن دفاع می‌کنند، اینست که بدون درنگ برای درهم‌شکستن این توطئه و بیرون انداختن متجاوزین به میدان آیند، تمام پیامدهای ناگوار و دردناک این نبرد را، هر اندازه هم که سنگین باشد، تحمل کنند و کوشش نمایند از این نبرد به بهترین صورت برای شناختن و از بین بردن همهٔ کمبودها و نارسائی‌ها در همهٔ زمینه‌های زندگی اجتماعی بهره‌گیری نمایند. این یک قانون‌مندی اجتماعی است که در دوران‌های بحرانی تحولات انقلابی و در شرایط رشد و تشدید دشواری‌های فراگیر، کمبودها و نارسائی‌ها از زیر پوشش‌های مصنوعی سربومی‌آوردند، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی قیافهٔ واقعی و درونی خود را واضح‌تر و عیان‌تر نشان می‌دهند، دوستان و دشمنان انقلاب با وضوح و دقتی بیش از پیش شناخته می‌شوند.

در مورد شناخت کمبودها و نارسائی‌ها، این تجاوز درس بزرگی به مقامات حاکمهٔ کشور ما داد. درسی که بدون تردید برای تدارک مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های بازم وسیع‌تر و دامنه‌دارتر آیندهٔ امپریالیسم آمریکا و دستیارانش بسیار گرانبها خواهد بود. این تجربه دردناک نقاط ضعف را بیرون کشید و برملا ساخت، به برخی آسوده‌دلی‌ها، و خوشباوری‌ها پایان بخشید و نشان داد که انقلاب واقعا می‌تواند در معرض خطر جدی قرار گیرد و راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، اگر بخواید سمت‌گیری‌های اصیل ضد امپریالیستی و خلقی‌اش را نگاهدارد، جادهٔ صاف اسفالت نیست، بلکه راهی است ناهموار با فراز و نشیب‌های دشوار و ارزش‌آیند تجربهٔ بزرگ از دردهای حاصله از خرابی‌ها و کشتارها و خسارات و تلفات تا حدود زیادی می‌کاهد.

مبارزان راه انقلاب شگوهمند ایران از پیامدهای دردناک این جنگ با تمام وجود خود رنج می‌برند و تاسف می‌خورند. از دست‌دادن هزاران تن از بهترین برادران دلیر انقلابی، تحمل میلیاردها خسارت که محصول دسترنج میلیون‌ها نفر از مردم کشور است، آسان نیست. کدام انسان شریف و میهن‌دوست واقعی است که از این همه محرومیت‌های عمومی و دردهائی که بخش سنگینی از هم میهنان ما در مناطق جنگ‌زده دچارش هستند، رنج نکشد؟ - ولی مبارزان واقعی، این رنج و درد را به تحکیم عزم و همت خویش برای مقابله با دشمن برای تشدید کوشش به منظور نگاهداری دستاوردهای انقلاب شگوهمندمان و پیش از همه نگاهداری و تحکیم استقلال ملی مبدل می‌سازند.

نتیجهٔ منطقی و روشنی که مبارزان واقعی راه انقلاب از این نبرد تحمیلی می‌گیرند، این است که باید تمام نیروهای خلق‌های ایران را تجهیز کرد، کمبودها و نارسائی‌ها را برطرف ساخت، محرومیت‌ها را تحمل نمود، توطئهٔ امریکائی صدام را درهم‌شکست، صفوف خود را پیوست، نیروهای خود را آرایش بهتری داد و خود را برای درهم‌گوشن هجوم و تجاوز و توطئهٔ آیندهٔ امپریالیسم و ضدانقلاب آماده کرد.

یاسداری از دستاوردهای انقلاب تنها و تنها از راه ناکام ساختن توطئه‌های بی‌دری امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و دستیارانش، نیروهای ارتجاعی منطقه و ضدانقلاب ایران میسر است و هر راه دیگر سرانجام به تجدید اسارت و وابستگی به امپریالیسم جهانی (چه وابستگی مستقیم به آمریکا و چه وابستگی غیرمستقیم از راه اروپای غربی و ژاپن بازم به آمریکا) خواهد انجامید.

ولی در برابر این برخورد انقلابی با واقعیتی که به ما تحمیل شده در جامعهٔ ایران شاهد برخورد دیگری نیز هستیم. این برخورد دوم، یعنی برخورد سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه، از طرف آن افسار و گروه‌هایی انجام می‌گیرد که انقلاب ایران با امتیازات و بهره‌گیری‌هایشان را محدود ساخته و با درخطر محدود شدن قرار داده است. ارزیابی این گروه‌ها و قشرها و نتیجه‌گیری‌شان بسیار روشن است. اینان برای پیامدهای دردناک این جنگ تحمیلی اکثراً اشک شجاع می‌ریزند و آن را بهانه قرار می‌دهند تا در میان کالی دلوخواه خود را جابزنند. اینان می‌گویند اگر "با روی دم پلنگ بر زور آمریکا نگذاشته بودیم" این بلایات بر ما روی آورده

نورالدین کیانوری

میهن‌اند در لحظه

توطئه امریکائی تجاوز

چگونه طرح

این مقاله برای درج در شماره ۸ انتشار آن در «دنیا» مدتی به طول ارزیابی‌هایی که در آن انجام گرفته «مردم»، به چاپ می‌رسد.

نمی‌شدند و از این‌جا نتیجه می‌گیرند که باید تا تمام مشکلات پایان پذیرد. این برخورد رنگارنگ و درموردی بسیار زیرکانه و موجه - "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی" با قرارداد محتوی واقعی این برخورد همانست که یک دربارهٔ شرایط آزادی جاسوسان آمریکائی با صاف و پوست‌کننده می‌توان چنین خلاصه کرد: است که ماجرت کردیم با آمریکائی قدر قدرت در این صورت تمام مشکلات ما از بین خواهد ر جنگ‌افزارها بمان خواهد رسید، محاصرهٔ اقتصاد عقب خواهد کشید، از انزوا بیرون خواهیم کک به اقتصادیات دچار رکود ما به ایران - خواهند گشت، کلان سرمایه‌داران منتخبین غ رونق خواهد گرفت و خلاصه همه چیز به "دورا با این برنامه مخالفت کند، "کمونیست" است "دیکتاتوری پرولتاریا" است، و اگر روحانی ویا "ملاها" و دیکتاتوری ملاها هم در واقع همان دن از آنجا که دیکتاتوری پرولتاریا به‌رحال در سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، بلکه اصلاً با آزاد زمین و آسمان و دریا مخالف است و چون حزب و عدم آزادی عادت دهد، فعلاً حتی با آزادی جهت "دیکتاتوری ملاها" را تأیید می‌کند. این‌همه سفسطه و مقلطه برای پوشاندن یک بیان صریح این حرف "صاف و پوست کنده" داری و بزرگ مالکی و ضمانت تحکیم آن از راه به امپریالیسم جهان‌خوار، آسان بود و مکت بکشاند. پس باید آن‌را مانند گنه‌گنه در پوست یکی از پیامدهای بسیار مثبت تجاوز آمره همین خط است. هواداران این خط سازش مردمی ایران مانند دزدان ناشی به کاهدان ز تشدید برخی محرومیت‌ها و کمبودها و نارسائی آنها کرده است. نظیر همان اشتباهی که امیرا تک‌ریتی در ارزیابی نیروی مقاومت انقلاب ایران هواداران این خط سازش و تسلیم با اطمینان کردند، غافل از این‌که نیروهای انقلابی ایران انقلاب ازبیکو و لیبیا را از سوی دیگر، هم‌اکنون پشتیبانی می‌کنند و نسبت به این خط سازش ساختن راه سازش با امپریالیسم آمریکا و دست آفتابان دارند.

به این ترتیب به موازات نبرد سرنوشت‌ساز جنگ علیه تجاوزگران عراق، به موازات نبرد رویی با امپریالیسم آمریکا و همدستانان آمده بود، تشدید شد.

حزب تودهٔ ایران بر پایهٔ ارزیابی این از همان آغاز پیدایش این جبهه اطمینان بود هواداران خط سازش و تسلیم هم با شکست خواهد انجامید. این بازم پیش‌بینی و ارزیابی معلوم شد که این خط سازش و تسلیم در امتیازی از کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان که شریان‌های کلیدی اقتصاد دوران انقلاب، یعنی با احتکار و افزایش بی‌رویهٔ ویی سابقهٔ قیمت محروم جامعه را به غارت می‌برند و یک‌سایه به صندوق دولت نمی‌پردازند.

معلوم شد که اکثریت ۹۵ درصد مردم های امام خمینی و با رهبری بیگیر و تزلزل‌ناپذ رسانند، آنقدر رشد و آگاهی سیاسی دارند که این خط سازش قدرنیست در چوکونی اجتماعی دوران آریامبری خویش را در نتیجه گسترش و خود بکشاند.

معلوم شد که توده‌های وسیع مردم - محروم همان استقلالی را که در راهش ده‌ها هزار کت می‌فهند و هر خطی را که این کوه‌گرانبها را با استقلال را ضامن واقعی و نهائی تأمین آزادی

نلابی ما ه کنونی

وزدار و دسته صدام

حزبی شدی؟

«دنیای تیره شده است، از آنجا که تا
خواهد انجامید، نظر به اهمیت
است، متن آن را در شماره امروز نامه

رچه دودتر " پارا از روی دم این پلنگ برداشت
سازشکارانه و تسلیم طلبانه در پوشش های بسیار
و بازار سیاست آورده می شود، در لفافه های از شعار
دن " آزادی " قبل از " استقلال " .
از نماندن مجلس شورای اسلامی هنگام بحث
صانیت ولی با روشنی بیان کرد که آن را به طور
تمام گرفتاری ها و دشواری های کشور ما از آنجا
از در پی زدن آمدیم، بیاید با آمریکا آشتی کنیم،
فصل اول، هلیامین آزاد خواهد شد، قطعات پدکی
دی پایان خواهد یافت، ارتش صدام خود به خود
مد، مستشاران اروپایی و ژاپنی و آمریکایی برای
رازیر خواهند شد، بزگان فراری به ایران باز
ارتگری به میدان خواهند آمد، اقتصاد کشاورزی
ن طلائی " گذشته باز خواهد گشت. هر کس هم که
ت، زیرا اگر این مخالف توده های باشد، طرفدار
دانشجوی بیرو خط امام باشد، طرفدار " دیکتاتوری
کناتوری برولتاریا یعنی شعار کمونیست ها است. و
بکناوری است، بین نهنبا با آزادی گشاورگی
ی برای هر کس و هر طبقه و هر موجود زنده ای در
توده " ایران بی خواهد مردم را به این دیکتاتوری
برای فعالیت خودتی هم مخالف است و به همین
راستی باید گفت " دست مرزاد " و " مرچا " بر
رف " صاف و پوست کنده " ! باید انصاف داد که
یعنی کوشش، برای نگاهداری نظام غارتگر سرمایه-
به تجدید وابستگی به جهان سرمایه داری، یعنی
ن است کار را به انفجار توده های غارت شده
ای شیرین به نام " دفاع از آزادی "، " دفاع از
توده های و آخوندی (بیش) بخورد مردم داد .
خواست است و خائن و باید نابودش کرد
کافی دارودسته " صدام تکریتی به ایران رسوائی
و تسلیم، خط شکست انقلاب ضد امپریالیستی و
دند، به امید این که دشواری های ناشی از جنگ و
ها مردم را آماده پذیرش رهنمودهای گمراه کننده
لیسم و ضد انقلاب و ارتجاع منطقه و آقای صدام
کرده بودند، در مورد این گروه ها هم تکرار شد.
به میدان آمدند و جازو جنجال کم سابقه ای برپا
ن در مجموع خود، علیرغم همه تلاش های ضد
ان با قاطعیت از خط اصلی انقلابی امام خمینی
ازان لبرال ها و نسبت به هر تلاشی برای هموار
نارانش حساسیتی بیش از حد تصور و انتظار این

از نیروهای انقلابی جمهوری اسلامی درجه های
سیاسی جمهوری اسلامی درجه به جهانی رویا-
بدیدی که در میدان مبارزات سیاسی ایران وجود
بیانته از نیروهای موجود در جامعه " کنونی ایران
ت که این نبرد تحمیلی در این جنبه به وسیله
رو خواهد شد، و به رسوائی بیش از پیش متکثرش
حزب ما درست از آب درآمد .
فقا منطبق است با خط همه آن قشرهای صاحب
از دوران طاغوت باقی مانده و با در دست داشتن
ن انحصار تنه و توزیع کالاها درجه اول ضرور
فا هستی و نیستی ده ها میلیون مردم زحمتکش و
هم مالیات مستقیم از این درآمد بی حد و حصر

یقا منطبق است با خط بزرگ مالکانی که از دوران
وابسته در آمیختگی پیدا کرده و بیش از نیمی از
در انحصار خود نگاه داشته اند و میلیون ها دهقان
ت می کنند، این ها فریاد آزادی برای حفظ بزرگ
روم و زحمتکش میهن ما که با پیروی از رهنمود-
بر او انقلاب شکوهمند تاریخی ما را به پیروزی
، گول موزرانه ترین مردم فریبی ها را نمی خوردند و
کشور به جز تفرق کوچکی از جامعه را که امتیازات
تعمیق انقلاب در خطر می بینند، کسی را به دنبال

م و میهن دوست کشور ما مفهوم استقلال، یعنی
نه و صدها هزار رخمی و معلول داده اند، خوب
خطر اندازد محکوم می کنند. آن ها به درستی
می دانند، آن ها با تجربه خود درک کرده اند

که برای کشورهای نظیر کشور ما تنها و تنها استقلال واقعی در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از سلطه استعمار و استثمار می تواند مبنای آزادی های ضمانت شده اجتماعی را فراهم سازد، و این استقلال واقعی همان طور که امام خمینی بارها و بارها به درستی گفته است بدون بستن قطعی وی با زنگشت هم راه های برقراری سلطه اسارت بار و غارتگرانه امپریالیستی به دست نمی آید و این راه های سلطه اسارت بار و غارتگرانه امپریالیسم جهانی کور نمی شود، مگر این که توده های ده ها میلیونی محرومان جامعه، زحمتکش شهر و روستا، همان ها که قرن ها یوغ ستم و غارت چپاولگران داخلی و خارجی را بر دوش کشیده اند، بتوانند آزادانه در تعیین سرنوشت خویش شرکت کنند و نظام کهنه غارتگری را براندازند و نظامی عادلانه برپایه برابری همه مردم برپا سازند.
این اکثریت ده ها میلیونی مردم خواستار و پاسدار آزادی برای ساختن این نظام نوین می باشند. محدود ساختن آزادی برای غارتگران و پاسبانان نظام کهنه و پوسیده، بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری قانون اساسی هوانقلاب مردمی است. بدون محدود ساختن فعالیت هواداران نظام کهنه، تامین آزادی برای محرومان به منظور برپاساختن و تحکیم بخشیدن نظام نوین عادلانه و مردمی غیر ممکن است.
رویدادهای روزهای اخیر و فریادهای پر درد امام خمینی که یک بار دیگر سیل خروشان محرومان را به حرکت در آورد، نشان دهنده همین قانون مندی تاریخی است که بار دیگر در جریان انقلاب شکوهمند میهن ما به اثبات می رسد.

پیشرفت روند شناخت واقع بینانه از دوستان راستین و دشمنان آشتی ناپذیر انقلاب ایران

یکی از مهم ترین پیامدهای مثبت و ارزشمند این تجاوز جنایت بار آمریکا و دارودسته صدام به میهن ما این بود که روند شناخت واقع بینانه مبارزان اصیل انقلاب ایران را در باره دوستان واقعی و دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران به میزان زیادی تقویت نمود. برای حزب توده ایران این شناخت همیشه وجود داشت. ما همیشه از این واقعیت دفاع می کردیم که تمام اردوگاه اصیل ضد امپریالیستی جهانی از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا جنبش اصیل کارگری کشورهای سرمایه داری و همه جنبش های راستین ضد امپریالیستی " جهان سوم "، چه آنها که قدرت دولتی را در دست گرفته اند مانند سوریه، الجزایر، لیبی و ده ها کشور دیگر و چه آنها که برای به دست آوردن استقلال ملی علیه رژیم های وابسته به امپریالیسم در نبردند، دوستان واقعی و هم سنگران قابل اطمینان انقلاب شکوهمند میهن ما هستند و از هیچ کمکی به این انقلاب دریغ نخواهند کرد.
ولی با کمال تأسف همه نیروهای راستین هوادار انقلاب ایران این واقعیت را نمی پذیرفتند و بخش مهمی از مبارزان مسلمان نه تنها نسبت به بخش سوسیالیستی این جنبه ضد امپریالیستی، بلکه نسبت به بخش غیر سوسیالیستی و حتی بخش اسلامی آن با سوء ظن و پیشداوری های ناروا برخورد می کردند. فراموش نکرده ایم که علیه کشور لیبی که امروز شاهد پشتیبانی بی دریغش از جمهوری اسلامی ایران هستیم، از طرف عناصر و گروه های معینی نه تنها در دوران دولت کام به کام لبرال ها، بلکه در دوران دولت دوم چه تبلیغات زنده و ناروائی که همه اش در آشپزخانه های دروغ سازی امپریالیست ها ساخته و پرداخته شده بود جریان داشت.

بخش مهمی از مجموعه تبلیغات حتی تبلیغات دولتی ایران درست در جهت خواست های جنبه امپریالیستی آمریکا-اروپای غربی-ژاپن و چین و ارتجاع جهانی عمل می کرد. در بسیاری از موارد تجاوز چین بهویت نام قهرمان رنج کشیده به صورت تجاوز ویت نام به چین منتشر می گردید و حتی در چندین گفتار رادیو تهران از رژیم خون آخام سرتگون شده " یولت " در کامیونج پشتیبانی و حمایت به عمل آمد.

تقریباً تمام اخبار و جعلیات خبرگزاری های امپریالیستی، " آسوشیتد پرس " و " رویتر " و " یونایتد پرس " و " فرانس پرس " علیه کشورهای سوسیالیستی، علیه کشورهای و جنبش های اصیل ضد امپریالیستی بدون کوچک ترین قید و شرط به خورد مردم داده می شد.
به طور کلی جناح سازشکار و تسلیم طلب به امپریالیسم آمریکا می کشید از این ناباوری و سوء ظن و پیش داوری مبارزان اصیل مسلمان نسبت به دوستان واقعی انقلاب ایران حداکثر بهره گیری را کرده و با بخش حداعلی دروغ های سیا ساخته و رویتر پرداخته در مطبوعات وابسته به خود و به دست عوامل خود در رادیو تلویزیون - به این سوء ظن دامن زد. تا آنجا که این طور تبلیغ می شد اگر عراق به ایران حمله نظامی کند قبل از هر گزور دیگر سوریه و لیبی به دنبال آن اتحاد شوروی و هندوستان علیه جمهوری اسلامی ایران به عراق کمک خواهند کرد. در این تحلیل ها حتی اسمی از آمریکا، انگلیس و فرانسه به عنوان دشمنان انقلاب ایران برده نمی شد. اسناد این ادعاها همه سیاه روی سفید موجود است.

در درون کشور هم همین سیاست با تمام امکانات خود پیاده می شد. نیروهای اصیل انقلابی مورد شدیدترین حملات و گاه زدیلانه سازشکاران و تسلیم طلبان قرار می گرفتند، در حالی که از خطر آمریکا گله ای حرف زده نمی شد. قابل توجه است که درست در همان هفته هایی که مسلماً تجاوز عراق در حال تدارک بود و اطلاعات دقیقی در این زمینه می رسید، وزیر خارجه وقت ایران و نیز بلندگویان خط آمریکا مردم را عقب خود می فرستادند و ادعا می کردند که گویا ارتش شوروی در مرزهای شمال ایران متحرک شده و آماده حمله به ایران هستند. آیا همه این ها نتایج ناشی از نادانی و کین توزی است؟ وزیر خارجه ایران و روزنامه های هوادار او تا آنجا پیش رفتند که با بی پروایی ادعا کردند که " نامه مردم " در چاپخانه سفارت شوروی در تهران چاپ می شود و با کمال تأسف دادستانی انقلاب که به خوبی می دانند این روزنامه در کدام چاپخانه به چاپ می رسد، این لاپلاطالت تهمت آمیز را تکذیب نمود.

تجاوز جنایت بار آمریکا ساخته، عراق صدام به ایران ضربه سختی به این دارودسته و به ستون فقرات تبلیغاتشان وارد ساخت.
معلوم شد که آمریکا و انگلیس و اسرائیل و دست نشاندهگان شان دولت های مصر، عربستان سعودی، عمان، اردن، پاکستان و ترکیه همه در تدارک تجاوز عراق به ایران شرکت داشته و با تمام نیرو از این تجاوز پشتیبانی می کنند.
معلوم شد که فرانسه عزیز کرده، بعضی از غرب زدگان نه تنها بی طرف نیست بلکه درست در همین مرحله حساس، از واگذاری کشتی های ایران که پولش را تا شاهی آخر و با قیمت ۳ برابر دریافت کرده خود داری می کند و در مقابل با عجله برای برگردن جای هواپیماهای جنگی سرتگون شده " عراق ۶۰ میراژ آخرین سیستم به دشمن انقلاب ایران تحویل می دهد.
معلوم شد انگلستان تنها سفارتش را در تهران تعطیل نمی کند، بلکه سیل تانک ها و سایر مهمات را به عراق سرازیر می سازد.
معلوم شد که کشورهای جنبه پایداری عرب - الجزایر، سوریه، لیبی و جمهوری دموکراتیک چین جنوبی پشتیبانان جدی و به قول رئیس مجلس شورای اسلامی " برادروار " جمهوری اسلامی و انقلاب شکوهمند ایران هستند و از هیچ کمکی حتی به بهای رودرروئی با کشورهای ارتجاعی عربی دریغ نمی ورزند.

معلوم شد که کشورهای سوسیالیستی نه تنها آماده همه گونه کمک به جمهوری اسلامی می باشند، بلکه در انجام تعهدات عادی و جاری خود نسبت به دولت عراق از این اصل پیروی می کنند که از این راه گردی به جمهوری اسلامی ایران وارد گردد. چنان که می دانیم و از طرف مقامات رسمی ایران به کرات تأکید شده است اتحاد شوروی از آغاز تجاوز عراق به ایران تحویل سلاح و جنگ افزار و وسایل پدکی را به عراق متوقف ساخته است و این روشی است که همه کشورهای سوسیالیستی در پیش گرفته اند.
این جریان در ضمن واقعیتی را که حزب توده ایران همیشه از آن دفاع کرده است به روشنی مورد تأکید قرار می دهد که کمک تسلیحاتی کشورهای سوسیالیستی به کشورهای دیگر هدفش تقویت نیروی دفاعی این کشورها در مقابل تجاوزات امپریالیست ها و نیروهای ارتجاعی وابسته به آنها است، نه برای تجاوز به حقوق و آزادی و استقلال خلق های دیگر.

به هر حال تجاوز آمریکا ساخته، دارودسته صدام حسین برای دیدن نقاب ریا و تزویر از چهره سازشکاران کمک بزرگی به نیروهای مبارز انقلابی ایران کرد و جای خرسندی بسیار است که در این حادته دردناک، نهال همگامی برادرانه بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای جنبه پایداری خلق های عرب که از سنگرهای استوار جنبه ضد امپریالیستی در خاور میانه و شمال آفریقا به شمار می آیند، چنین نیرو گرفته و در حال رشتاد است. سفر نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران به الجزایر و لیبی و بازدید کنونی رئیس مجلس شورای اسلامی از این کشورها و سوریه و لبنان پایه های محکمی برای این بنای با اهمیت بوجود آورده و می آوند.
ما اطمینان داریم که این گرایش درست که این گونه جنون آمیز مورد حمله سازشکاران و تسلیم طلبان قرار گرفته است، به تدریج گسترش خواهد یافت و نیروهای اصیل انقلابی ایران در جریان نبرد زندگی و مرگ کنونی میهن ما با امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا گام به گام در این جهت پیش خواهند رفت و در شرایط دشوار انقلاب ایران، پیش داوری های ناروا را به دور خواهند ریخت و دوستان واقعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران را خواهند شناخت و دست خرم دوستی آنان را خواهند فرستاد. این راه ممکن است کوتاه و سریع نباشد ولی در هر حال شرایط دشوار نبردی که در گریز هستیم به این روند هر روز شتاب بیشتری خواهد بخشید.

تجاوز عراق و اختلافات درون مقامات مسئول کشور

در ماه ها و هفته های فاصل بین کودتای نوژه و آغاز تجاوز آمریکا ساخته دارودسته صدام به ایران اختلاف نظر در باره شیوه اداره امور و برخی مسائل حیاتی زندگی سیاسی و اجتماعی کشور در درون مقامات مسئول شدت بی سابقه ای یافت. به طور مشخص رئیس جمهور و اقلیتی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از یک سو و اکثریت این مجلس و دولت از سوی دیگر در دوطرف این میدان اختلاف نظر و سلیقه و برخورد قرار داشتند.
اسید می رفت که با آغاز تجاوز جنایت بار دارودسته صدام به ایران و در برابر دشواری های عظیمی که این جنگ به میهن ما تحمیل کرده و خواهد کرد بخش " ذهنی " این اختلافات لااقل برای مدت جنگ دفاعی به کنار گذاشته شود و جنبه متحدی از همه نیروها برای تجهیز همه امکانات، نه تنها برای درهم شکستن تجاوز آمریکا ساخته صدام، بلکه برای رویارویی با توطئه های مسلم آینده آمریکا بوجود آید. ولی با کمال تأسف ما شاهد آن هستیم که حتی هوسیار باش های امام خمینی که با فریادهای پر دودی همراه بود نتوانستند از حدت و شدت این اختلافات بیگانه بمانند. بازتاب بیرونی این اختلافات تنها در سخنرانی ها و موضع گیری ها و نوشته های روزنامه های دوطرف اختلاف نیست، بلکه در مسائل حیاتی مانند تعیین وزیران وزارتخانه های با اهمیتی مانند وزارت خارجه و وزارت اقتصاد و دارایی که بویژه در دوران کنونی دارای اهمیت حیاتی برای زندگی کشور هستند و همچنین در مسائل مربوط به سیاست دفاع و شیوه رویارویی با توطئه های آینده امپریالیست ها نیز دیده می شود و احساس می گردد.

ادامه و شدت یافتن این اختلاف، بدون تردید، میدان وسیعی برای فعالیت ضد انقلاب و نیروی های سازشکار و تسلیم طلب بوجود می آورد و برای سرنوشت انقلاب خطر جدی در خود می پروراند. درست به همین جهت است که در هفته های اخیر بر فعالیت نیروهای لبرال و هواداران نزدیک و سازش با آمریکا و آن نیروهایی که به احتمال زیاد بر پایه " ارزیابی نادرست " به خطر توطئه آمریکا برای از بین بردن استقلال جمهوری اسلامی ایران کم بها می دهند، به طور قابل توجهی افزوده شد. کاملاً عیان بود که همه این نیروها گوشیدند که در این میدان اختلافات موضع گیری کنند و بخشی از آنها با نشانند بسیار مودبانه " شعار " آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی " به جای شعار " استقلال آزادی، جمهوری اسلامی " و بخشی با کم بها دادن به خطر توطئه آمریکا و به طور عمده تکیه کردن بر روی محدودیت های قابل انتقادی که در اجرای اصول قانون اساسی در زمینه آزادی های فردی و اجتماعی بوجود آمده است نعت روی این آتش اختلافات ریختند.

حزب توده ایران به لزوم ایجاد " جنبه متحد خلق "، یعنی جنبه ای که بتواند همه نیروهای راستین و بی گنر انقلاب ایران را دربرگیرد اعتقاد راسخ دارد و بر آن است که علی رغم سالارگرفتن شمله های سوزان این اختلافات، بخش عمده نیروهایی که در دوطرف اختلاف قرار دارند، با استثنای لبرال ها و امیران نظام ها که خود را در این میان جا زده اند، و " حامیان قانون اساسی و دولت بختیار " که آب گل آلود پیدا کرده و در صدد ماهی گیری هستند، از عناصر تشکیل دهنده جنبه متحد خلق، برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب شکوهمندمان در جهت تامین استقلال ملی، آزادی و دگرگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه می باشند.

به نظر حزب توده ایران پیام امام خمینی درباره لزوم حفظ و تحکیم وحدت رهنمود مشخصی برای همه نیروهاست است که عمیقاً " هوادار نگاهداری دستاوردهای انقلاب شکوهمندمان می باشند. به نظر ما دیگر مشخص و روشن شده است که این وحدت تنها از راه لجام زدن به لبرال ها و توطئه گران و گلوخ اندازان امکان پذیر است، چه آنها که دانسته در این راه گام برمی دارند و چه آنها که نادانسته در دام این افسونگران افتادند و یا از شدت خودخواهی و خودبینی دچار گریز سیاسی شده اند. در این زمینه باید صریحاً اعلام کنیم که حزب توده ایران به خطراتی که از جانب گروه های انحصار طلب در جهت محدود کردن آزادی های که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین شده است، کم بها نمی دهد. این تلاش از مدت ها پیش به طور روشن دیده می شود و بیش از سایر گروه ها حزب ما پیاده های ناگوار این تلاش ارتجاعی را با کوشش و پوست خود احساس کرده و می کند. مراکز حزب ما هنوز در اشغال غیر قانونی است، هنوز ما مجبوریم فعالیت قانونی حزبی خود را پنهان از چماق داران و ساواکی ها و گمراه شدگان افراطی انجام دهیم هر روز پرونده سازی تازه ای علیه حزب، انجام می گیرد.

درست در زمانی که شرکت فعال و سرشار از ایثار مبارزان توده ای در جنبه های جنگ برای دفاع از جمهوری، برای انجام وظیفه ای که قانون اساسی برای همه افراد ملت ایران، صرف نظر از آید کولوزی و سمت گیری سیاسی شان، تعیین کرده است، هر روز چشم گیرتر می گردد، شاهدان هستیم که مقاماتی در جنوب کشور تنها بر پایه کینه و پیش داوری هایی که محصول تبلیغات زهر آلود دشمن است، به سببانه تحریکات گروه های آمریکا ساخته، چپ نما مبارزان توده ای را از انجام این وظیفه توده ای میهنی محروم می سازند. حزب توده ایران به هیچ وجه به این بی قانونی ها و قانون شکنی ها، کم بها نمی دهد و آن را جز بزرگی برای گسترش انقلاب می داند. ولی با وجود همه این کمبودها و ضعف های چشم گیر در زمینه احترام به آزادی و قانونیت، امر دفاع از میهن در مقابل توطئه های امپریالیسم هار و خونخوار و مکار آمریکا و دستیارانش، تا زمانی که برای دفع خطر این توطئه های تضمین کافی بوجود نیامده، در مرکز کلیه مسائل اجتماعی کشور ما قرار دارد. درست بر همین پایه است که حزب توده ایران موضع گیری خود را در برخورد با جنبه های گوناگون میدان سیاست ایران مشخص می سازد. از همین رو موضع گیری حزب ما کاملاً ساده و روشن است: پشتیبانی و همگامی حزب ما با آن نیروهاست که در مبارزه علیه توطئه های خائنانه - برانداز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در مبارزه علیه توطئه های ضد انقلاب و در لحظه کنونی در تجهیز نیروها برای درهم شکستن تجاوز آمریکایی عراق، قاطع تر، بی گریز تر و آشتی ناپذیرتر عمل می کنند. این است سنگ محک عمده ای که ما با آن مبارزان صداقت، بی گریز و قاطعیت نیروهای سیاسی را در زمینه پاسداری از دستاوردهای انقلاب شکوهمندمان می سنجیم. بدون این که به سنگ محک دیگر یعنی وفاداری به اصول تضمین کننده آزادی های فردی و اجتماعی که در قانون اساسی پیش بینی شده است کم بها دهیم و لحظه ای از تلاش خود برای تامین این آزادی ها دست برداریم.

چه خواهد شد؟

این پرسشی است که همه مبارزان و همه هواداران انقلاب از خود و از یکدیگر می کنند. چه خواهیم کرد؟ پاسخ این پرسش برای مبارزان انقلابی، برای اکثریت مردم ایران که از جمهوری اسلامی ایران مانند مردمک چشم پاسداری می کنند کاملاً روشن است، تا آخرین نفس خواهیم جنگید و همه امکاناتمان را برای پیروزی نهائی در این نبرد تجهیز خواهیم کرد. در این که در شرایط کنونی جهان و منطقه اگر نیروهای انقلابی ایران بتوانند همه نیروهای خود را تجهیز کنند و از همه امکانات مثبت درون ایران و دنیای خارج به بهترین وجه برای تقویت نیروهای خودی بهره گیری کنند پیروزی در این جنگ عادلانه از آن ما خواهد بود، کم تر می توان تردید کرد. با شرکت فراگیر نیروهای خلق در نبرد برای نگاهداری دستاوردهای انقلاب شکوهمند میهن مان همگونه امکان برای پیروزی علیه تجاوزگران بیگانه، و ضد انقلاب داخلی و سازشکاران و تسلیم طلبان وجود دارد. مسئله اساسی در این مرحله تجهیز همه جانبه، امکانات عظیمی است که در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. حزب توده ایران ناکنون به طور بی گریزانه درست تجهیز همه نیروها را پیشنهاد کرده و در آینده هم آن را علی رغم همه دشواری ها دنبال خواهد کرد.

ولی این تجهیز نیرو حتی اگر بدون عیب و نقص باشد، کافی نیست، باید نقشه های دشمن را هم دقیقاً شناخت و ارزیابی کرد.

امروز همه مبارزان انقلابی ایران خوب می دانند که جنگ کنونی ما تنها جنگ علیه دارودسته صدام نیست و پشت سر صدام تمام امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ایستاده و با تمام قوا می کوشند که با این جنگ به هدف اصلی شان که درهم شکستن جمهوری اسلامی ایران و در حقیقت پایان دادن به رهبری امام خمینی است نائل شوند. در توضیح این مسئله باید گفت که در واقع امپریالیست ها حتی حاضرند تمام ظواهر جمهوری اسلامی ایران را قبول کنند، تنها به شرطی که نیروی تعیین کننده در آن خط امام خمینی نباشد، یا به زبان ساده و مختصر جای هواداران اصیل و بی گنر خط امام خمینی را گروهی از " میان رهوها " و " اعتدالیون " اشغال نمایند. تمام دعوا بر سر همین " مختصر " است. این توطئه ها هم خوشبختانه بر اثر پیاداری امام خمینی و پایداری همه مبارزانی که به هدف های اصیل انقلاب شکوهمندمان پایبند و وفادارند، با شکست مفتضحانه ای روبرو شد. آن ها که از آغاز جنبش با این هدف ها مخالف بودند و سلطنت مشروطه را حتی با محمدرضا جنایت کار، تنها به شرط این که از خود انتقاد کند، هدف خود قرار داده بودند، نتوانستند در این لحظه بحرانی انقلاب را از هدف های تاریخی اش منحرف سازند. اکنون این پرسش پیش می آید که امپریالیسم آمریکا در ادامه توطئه تجاوز عراق به میهن ما چه نقشه هایی می تواند داشته باشد؟
تصور این که سربال توطئه های آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران همین جا پایان خواهد پذیرفت و با درهم شکستن شدن تجاوز دارودسته صدام آمریکا بچه موه بی خواهد شد تنها می تواند ساده دلی و خافی را نشان دهد. بدون تردید امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه که با تدارک عظیمی این توطئه را همراه انداختند خواهند کوشید:

کارگران خراسان همگام با سایر زحماتکشان آماده دفاع از انقلاب، میهن و جمهوری اسلامی ایران اند

طی اطلاعیه‌ای که از سوی سندیکای کارگران صنعت راه و ساختمان مشهد صادر شده، کارگران این سندیکا آمادگی خود را برای دفاع از میهن انقلابی در برابر تجاوز رژیم صدام اعلام کرده‌اند.

در این اطلاعیه آمده است: "بفرموده امام امت رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران، اکنون که میهن عزیز اسلامی‌مان مورد تجاوز دولت‌دست‌نشانده عراق واقع شده، وظیفه هر میهن‌پرست انقلابی و هر مسلمان مبارز از هر طبقه و صنفی است که به دفاع از مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران برخیزد." اطلاعیه یادآور شده که هدف از حملات رژیم آمریکایی صدام، سرنگونی دولت جمهوری اسلامی ایران است که بدستور شیطان بزرگ آمریکای جهان‌نور انجام می‌گیرد. در خاتمه کارگران عضو سندیکای راه و ساختمان مشهد آمادگی خود را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و میهن، در مقابل تجاوز رژیم صدام و ارباب امپریالیست و اعلام کرده‌اند.

سندیکای کارکنان صنایع غذایی مشهد طی اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن تجاوز رژیم صدام، اعلام داشت که کارگران و کارکنان عضو سندیکای صنایع غذایی آماده مبارزه با تجاوز صدام، این نوکر حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا در منطقه هستند. ضمناً از کارگران و زحمتکشان خواسته شده که در سازمان بسیج مستضعفین نام‌نویسی کنند.

کارگران کارخانه‌های صنعتی سیم‌الکتریک، تیم، سیمان مشهد، نساجی خسروی (نخ‌ریسی) با تشکیل واحدهای ارتش‌رهایی بخش مستضعفین در کارخانه‌ها آمادگی رزمی خود را جهت اعزام به جبهه اعلام داشته‌اند.

از طرف سندیکای کامیون‌داران شیروان (دارندگان تنگ کامیونی) نیز طی اطلاعیه‌ای آمادگی کامیون‌داران برای اختصاص کامیونها به کمک در امر حمل مواد غذایی و کالا به جبهه از طریق ستاد بسیج مستضعفین اعلام شده است.

سندیکای کامیون‌داران اضافه کرده است که اعضاء سندیکا حاضرند هم پای سایر زحمتکشان و انقلابیون میهن‌تاپای جان از استقلال و تمامیت ارضی میهن انقلابی دفاع کنند.

میهن انقلابی ما...

بقیه از صفحه ۵

۱- هرطور شده از شکست دارودسته صدام در جنگ که مسلمانان به سرنگونی این دارودسته خواهد شد، جلوگیری کنند و تا آنجا که ممکن است این تجاوز را به‌دراز بکشانند. البته وضع در درون عراق به شدت بحرانی است. خبرهای رسیده نشان می‌دهد که بحران به‌درون حزب حاکم بعث و به‌درون رهبری حزب هم کشیده شده است. نیروهای انقلابی ضد رژیم بعث به شدت فعال شده‌اند و خوشبختانه گرایش به همکاری، به‌عنوان مهم‌ترین عامل تجهیز نیروهای انقلابی، در حال رشد است. اظهارات مشخص و روشن آیت‌الله سید محمد باقر حکیم، رهبر روحانیست مبارز عراق را درباره همکاری "باتمامی گروه‌های وفادار، چه مسلمان و چه غیراسلامی" باید به فالی نیک گرفت و مورد پشتیبانی جدی قرار داد. پیروزی این جبهه بدون تردید پیروزی بزرگی برای جمهوری اسلامی و انقلاب میهن ما خواهد بود.

ولی نباید فراموش کرد که نیروهای ارتجاعی هم در عراق فعال شده‌اند و احتمال کودتای انورساداتی با همه مودی‌گری‌ها و مردم‌فریبی‌های غیرممکن نیست. در صورتی که آمریکا مطمئن نباشد که تحول در رهبری عراق در جهت تأمین منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه باشد با تمام قوا خواهد کوشید دارودسته صدام را نگاه دارد.

۲- اگر امپریالیسم نتواند با وجود رساندن همه‌گونه کمک از هزیمت دارودسته صدام جلوگیری نماید، مسلماً برای ناتوان کردن نیروی مقاومت جمهوری اسلامی خواهد کوشید از راه‌های دیگر ضربه‌های تازه‌ای وارد سازد. نیروهای سرسپرده به امپریالیسم و وابسته به ارتجاع منطقه در کردستان، فارس و بلوچستان و هم‌چنین نیروهای ضدانقلاب وابسته به حزب خلق مسلمان در آذربایجان و ضد انقلاب سازمان یافته در سراسر ایران هنوز به‌عنوان ذخیره، احتمالی امپریالیسم در اختیارش می‌باشند.

۳- امپریالیست‌ها در منطقه خلیج فارس، اقیانوس هند و شرق مدیترانه نیروی بی‌سابقه عظیم تهاجمی متمرکز ساخته‌اند. تصور این که بیش از ۶۰ ناو جنگی آمریکا و انگلیس و فرانسه در دریای عمان و خلیج فارس، بیش از ۲۰ ناو جنگی آمریکا در منطقه مجاور خاورمیانه در مدیترانه، ده‌ها هزار سرباز آمریکایی آماده برای تجاوز و تهاجم در روی ناوها با صدها هواپیما و تانک و زره - پوش، انبارهای عظیم ساز و برگ و جنگ‌افزار، در پایگاه‌های جنگی آمریکا در عمان، بحرین، عربستان سعودی، مصر، سومالی، کنیا و نیروی عظیم تجاوزکار اسرائیل، مراکز جاسوسی سی‌اس‌آر پاکستان و عربستان سعودی همه این‌ها مسلماً برای آبتنی در آب‌های گرم دریای عمان و خلیج فارس نیامده‌اند.

برخورد آمریکا و متحدینش با تصمیم روشن و عادلانه مجلس شورای اسلامی در مورد گروگان‌ها یکبار دیگر این حقیقت را تأیید کرد که امپریالیست‌ها در مناسبات خود با ایران تنها یک هدف را دنبال می‌کنند آن درهم شکستن انقلاب ایران است. و تمرکز این نیروی عظیم تجاوز در منطقه خلیج فارس تنها و تنها برای رسیدن به این هدف است. این را باید خیلی جدی گرفت. درست است که برحذر باش‌های اتحادشوروی، آمریکا را در زمینه تجاوز مستقیم نظامی به ایران دچار تامل خواهد کرد، ولی تصویر این که ایالات متحده دست به چنین ماجرائی نخواهد زد از حزم و احتیاط انقلابی دور است. تاریخ ۳۵ ساله سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ دوم جهانی نشان‌دهنده جنایات و ماجراجویی‌هایی است که هیچکدامشان در چهارچوب منطق عادی نمی‌گنجند. تجربه تجاوز نظامی در طیس و کودتای نوژه و تجاوز عراق به ایران نشان‌دهنده این واقعیت است که دشمنان انقلاب ایران اغلب و می‌توان گفت همیشه روی پایه‌های بسیار سست دست به ماجراهای خطرناک می‌زنند.

این تجربه‌های تلخ و بویژه توطئه آمریکایی تجاوز عراق باید برای نیروهای انقلابی ایران به منزله بیدارباش بسیار سیار جدی باشد. تنها در ارتباط با امکان تجاوز آینده امپریالیست‌ها است که باید سیاست دراز مدت تجهیز نیروها برای پایداری و مقاومت در درون جامعه ایران و بهره‌گیری از همه امکانات مساعد موجود در جهان پایریزی گردد و با جدیت دنبال شود.

امیدواریم که مسئولان جمهوری اسلامی ایران این بیدارباش ما را خیلی جدی تلقی نمایند.

۲۲ آبان ۱۳۵۹

راندگان تاکسی‌بار تبریز:

ایران وطن ماست، زبونی وضع آنرا یک لحظه هم طاقت نمی‌آوریم

که چیزی نیست. آقای چرندابی، در این رابطه، حتی با ارائه طرحی مبنی بر تحویل بنزین بر اساس کارکرد اتومبیل (بر حسب کیلومتر)، خواهان کنترل بیشتر دولت بر ارائه بنزین و جلوگیری از سوء استفاده افراد فرصت طلب در این شرایط بحرانی و جنگی می‌شود. از شرکت آنها در جبهه گسترده نبرد علیه مزدوران آمریکایی صدام و چگونگی کمک آنها به رزمندگان خط مقدم جبهه نبرد می‌پرسیم. - نعمت‌الله قره‌داغی می‌گوید:

"با جان و دل حاضرم هر فرمانی را اجرا کنم." - "علی گوزلی" می‌گوید: "ما از هر لحاظ حاضریم کمک هستیم؛ جاناً و مالاً. ایران وطن ماست زبونی وضع آنرا یک لحظه هم طاقت نمی‌آوریم."

"محمد فهمیده" ضیا می‌گوید: "تاکنون مبلغ ناقابل ۵۰۰ تومان برای جنگ زدگان پرداخته‌ام و همچنین یک روز را مجاناً برای جبهه سازندگی کار کرده‌ام."

"محمدعلی تعبیری" می‌گوید: "من اغلب روزها وقتی از ده محل سکونت به شهر می‌آیم، کمک‌های جمع آوری شده از طرف مردم آن مناطق را برای جبهه تبریز حمل می‌کنم." - "بهمن سنایی اسکویی" نیز از کمک‌هایی که تاکنون نموده است چنین یاد میکند:

"کمک‌های من ناچیز است، ولی به‌رحال کمکی نموده‌ام، مثلاً: زمانیکه به پایگاه حمله هوایی شد، من گچ و بنا و کارگر برای مهار کردن آتش به پایگاه می‌بردم و همچنین در جمع‌آوری و حمل کارتن برای فرستادن دارو به جبهه نیز شرکت کرده‌ام." - و بالاخره "عباس چرندابی" راننده ۸۳ ساله در جواب سؤال ما با حجب‌فروری فریبی چنین می‌گوید: "آخر من بطور بگویم؟ هیچی! تنها ۵۰۰ تومان به شماره حساب هلال احمر ریخته‌ام. وقتی از احساسات پاک و عشق عمیق و انسانی‌اش تقدیر می‌کنیم، با شرمندگی می‌گوید:

"مردم باید دست به دست هم بدهند، مردوزن، بی‌روخوان باید کار بکنند، زحمت بکشند، قصور نباید کرد، باید با عشق کار کرد، مثل مرده‌ها نباید کار کرد، جوانها به جبهه می‌روند، تفنگ بدست می‌گیرند، من هم باید به نوبه خودم وظیفه و دینم را ادا کنم." و اضافه می‌کند: "ما الان به آنچنان چیزهایی رسیده‌ایم که حتی یک ذره آنرا نیز نباید از دست بدهیم. نه آذربایجان، نه فارس، نه بلوچ، نه کرد، نه مسیحی... هیچکدام نباید کنار بروند، همه ایرانی‌اند، همه اینجا زندگی می‌کنند، باید دست بدست هم ایران را حفظ کنند."

با این سؤال که امکان پیروزی ما تا چه اندازه است و با شنیدن جوابهای آنها که در زیر می‌آید، از این زحمتکشان خدا حافظی کردیم، با این اطمینان که به‌همت کارگران و زحمتکشان ایرانی، راه سعادت و بهروزی ایران عزیز را از میان خیل دشمنان وحشی و بیرحم خویش مسلماً خواهیم گشود. - "بهمن سنایی اسکویی": "ما پیروز میشویم، زیرا قلب ما پاک است، ما ایمان داریم." - "علی گوزلی": "ما پیروز خواهیم شد، ما نیروی ایمان خود را به دشمنانمان نشان خواهیم داد." - "عباس چرندابی": "من رشادت‌های این ملت را دیده‌ام، ملت همه باید مساعدت کنند، ما پیروز میشویم."

با تجاوز گرازان گروه صدام حسین به دشتهای شقایق‌زار میهنمان که همچنان از خون شهیدان انقلاب شکوهمندمان گلگونند، خشمی مقدس سراپای وجود هموطنان زحمتکش و داغ‌دیده‌مان را فراگرفت. زحمتکشان ایرانی که با خون بیش از ۷۰ هزار تن از بهترین فرزندان خویش نهال انقلاب خود را بارور ساخته‌اند، اجازه نخواهند داد که این نهال، پامال گرازان وحشی و مزدور صدام گردد. آنها مصمم‌اند تا سرزمینهای اشغالی میهن مقدس خود را گورستان اشغالگران و متجاوزین سازند.

زحمتکشان ایرانی که هم اکنون فرزندان خود را به جنگ رویاروی دشمن روانه ساخته‌اند، خود نیز در پشت جبهه به انحاء گوناگون به انجام تدارکات برای این جنگ تحمیلی مشغولند و در این راه هرگونه سختی و مشقت را به جان می‌خورند.

توده‌های زحمتکش ایرانی که تضییقات وحشیانه رژیم شاه معدوم را به هنگام دست‌وپازدهای مذبح‌خانه او در اواخر عمر خویش چشیده‌اند، اکنون نیز با استهزا نسبت به خام - طبیعی‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور صدام حسین با سربلندی و علو طبع، مصائب ناشی از جنگ را تحمل می‌کنند.

از جمله: پس از تجاوز بعثیون عراقی به خاک ایران و جیره بندی بنزین، هرروز، صدها تاکسی‌بار در شهر تبریز به انتظار دریافت جیره مقرر خود، ساعت‌های زیادی را در صف بنزین می‌گذرانند. به منظور آشنایی و دریافت نظریات این رانندگان زحمتکش با چند تن از آنان به گفتگو می‌نشینیم. رانندگانی که ما با آنها صحبت کردیم، هرکدام بین ۱۰ تا ۱۵ ساعت در صف نوبت به سر برده‌اند.

اغلب رانندگان در پاسخ به این سؤال که آیا با توجه به کمبود بنزین کرایه دریافتی خود را افزایش داده‌اید، ضمن ابراز تنفر و انزجار از اینگونه اعمال، افرادی را که به چنین اعمالی دست می‌زنند، فرصت طلب و خائن نامیدند. - "بهمن سنایی اسکویی" در این باره گفت:

"به نظر من در اوضاع و احوال کنونی نه تنها باید از افزایش کرایه‌ها خودداری کرد، بلکه برای جلوگیری از سوء استفاده ضدانقلابی از اینگونه اعمال برای بدبین ساختن مردم نسبت به انقلاب استفاده می‌کند. باید حتی از میزان کرایه نیز بکاهیم."

از رانندگان سؤال کردیم که آیا از اینکه هرروز می‌باید مقدار زیادی از وقت خود را در این صف‌ها بگذرانند و بعلاوه مقدار زیادی از درآمدشان نیز کاسته شده است، ناراحت نیستند؟

"محمد فهمیده" ضیا گفت: "هیچگونه ناراحتی ندارم، فقط می‌خواهم هرچه زودتر پیروز شویم." - "نعمت‌الله قره‌داغی" پاس‌سخ داد:

"چرا ناراضی و ناراحت باشم، جنگ است، جنگی که طی آن به ما تجاوز شده است. عراق به دستور آمریکایی‌ها به ما تجاوز کرده است، ما که خائن به ما تجاوز کرده‌است، ما که به او تجاوز نکرده‌ایم، ما فقط از شرف و ناموس خود دفاع می‌کنیم. ما به دستور امام خمینی مقابله می‌کنیم."

"عباس چرندابی" راننده ۸۳ ساله با ۴۷ سال سابقه کار اضافه کرد:

"من از این وضع ناراحت نخواهم شد، چون که اوضاع مملکت به من حکم می‌کند که تحمل داشته باشم. اینها

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

پامداد ۲۱ شهریور ۱۳۵۹، نظامیان ترکیه علیه دولت قانونی آن کشور کودتا کردند. تکیه در مهم‌ترین نقطه آنکارا استقرار یافتند، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و بسیاری دیگر از رهبران سیاسی دستگیر شدند، سندیکاها و دیگر سازمان‌های توده‌ای منحل گردیدند و هرگونه فعالیت سیاسی ممنوع اعلام گشت.

تصادفی نبود که نخستین خبر درباره کودتا از وزارت خارجه آمریکا رسید! پس از مدت کوتاهی اعلان شد که کودتاجیان ترکیه دولت آمریکا را از نقشه‌های خویش مطلع ساخته بودند. لذا این ارزیابی بجاست که واشنگتن خود مستقیم فرمان کودتا را صادر کرد.

یکروز پس از کودتا، حتی روزنامه بورژوازی «وست دوویچه آلکمانه تسایونک»، منتشره در آلمان غربی نوشت:

«میتوان تصور کرد که اصرار آمریکایی‌ها، که پس از انقلاب ایران بویژه تکران تضعیف ضلع جنوبی «ناتو» هستند، بالاخره کار خود را کرد.» جالب آنکه سیاستمداران غربی حتی یک کلمه درباره «نقض دموکراسی»، «نقض حقوق بشر» و یا «دخالت در امور داخلی» ترکیه بزبان نیاوردند. همان احزاب و سیاستمدارانی که حتی یک روز پیش «مردم» را فرا می‌خواندند، تا به سندیکاها «آزاد» لیستان کمک مالی بکنند، درقبال منع فعالیت سندیکاها کارگری ترکیه در سکوت محض غرق شدند. برعکس، مائوفور، وزیر دارایی آلمان غربی اعلام کرد:

«ترکیه کماکان هم‌پیمان مهم بین‌المللی ما خواهد بود.»

برآوردت، صدر حزب سوسیال دمکرات آلمان (فدرال) تنها تاسف خورد که نظامیان پتوقیف «دروست» ابر، اجویت ناچار شده بودند! طبیعتاً، نه تنها آلمان غربی، بلکه دیگر کشورهای «ناتو»، از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و ایتالیا، لازم ندیدند که نیروهای خود را از «مانورداردان» فراخوانند.

اظهارات رسمی نظامیان ترکیه در توجیه کودتا طوری تنظیم شده بود که افکار عمومی کشورهای «ناتو» را آرام کند. آنها ادعا داشتند که تنها بخواهند استقرار «آرامش و نظم» و «مصلحت» قاطعانه یا تروری که از آغاز سال میلادی جاری، نزدیک به دوازده قرن قربانی آن شده بودند، مجبور به کودتا گردیده‌اند! درحالیکه همه کس میدانند که رهبران نظامی، خود از جمله کسانی بودند، که به موج ترور در ترکیه دامن میزدند. ددمنش‌ترین تروریست‌های ترکیه «گرمگهای خاکستری» بودند، که سازمان شبه‌نظامی حزب فاشیستی «جنش‌ملی» را تشکیل میدادند. این حزب دربارلمان از دولت دمیرل پشتیبانی میکرد و بهمین دلیل نیز از لطف خاص نخست‌وزیر سابق ترکیه بهره‌مند میشد. چند تن از روسای برجسته «میت» (سواوک) ترکیه) عضو «جنش‌ملی» بودند و «گرمگهای خاکستری» اغلب اطلاعات خود را درباره قربانیان دسیسه‌های چنایکارانه خود، بویژه رهبران سندیکایی، کمیونیست‌ها و دمکرات‌ها، مستقیم از آنان دریافت میداشتند.

«جنش‌ملی» همچنین از روابط دوستانه‌ای با رهبری ارتش برخوردار بود. رهبران «جنش‌ملی» که خود در کودتای ۱۳۳۹ شرکت داشتند، ژنرال‌های ترکیه را خوب می‌شناختند. برای درک موضع ارتش نسبت به تروریسم، کافی است یادآور شویم که در دوره‌های آموزشی ارتش ترکیه، از یکی از درسنامه‌های معروف «سیاه» استفاده بعمل می‌آید. در این درسنامه، که

امین‌دگر، مشاور حقوقی وزارت دفاع ترکیه، سه سال پیش قسمتهایی از آنرا منتشر ساخت، «سیاه» «عملیاتی» را توصیه می‌کند که «مردم آنها را کار انقلابی بیدانند که از هیچگونه سببیت خودداری نمی‌ورزند. از اینراه میتوان افکار عمومی را در طرفداری از نظم و علیه خرابکاری تجویز کرد. فزون‌براین، باید سازمان شبه نظامی قدرتمندی را تشکیل داد.»

رهبری ارتش ترکیه در اقتصاد کشور نیز پس «ذینفع» است. در این زمینه «اتحادیه» موسوم به «اوجک» از مقامی ویژه برخوردار است. این «اتحادیه»، که در حدود ۱۹ سال پیش با سرمایه‌های نسبتاً ناچیز تاسیس یافت، پس از چند سال به دوپین «شرکت هلدینگ» ترکیه تبدیل شد. «اوجک» عملاً تحت نظارت فرماندهی عالی نیروهای مسلح قرار دارد و از طریق قراردادهای همکاری با کسرن‌های خارجی، از جمله «رنو» از سودهای هنگفت بهره‌مند میشود. بخشی از این سودها بهنگام بازتبستگی به افسران تعلق میگیرد. هر قدر درجه افسر بالاتر باشد سهم او نیز بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر، از طریق «اتحادیه» نامبرده، وابستگی نزدیک میان نظامیان و بورژوازی تأمین میشود.

ترکیه اینک با بحران اقتصادی عمیقی روبروست. دیون خارجی این کشور بالغ بر ۳۲ میلیارد دلار میشود و ترکیه سه‌سال است که اقساط این وام‌ها را نپرداخته است. بحران کنونی فرآورده «سیاست تسوسه» ایست، که «صندوق

بین‌المللی پول» سالها تبلیغ میکرد. کشورهای امپریالیستی، بویژه ایالات متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان، تأمین مالی این سیاست را بعهده گرفتند و دولت‌های ترکیه به اجرای آن تن دردادند.

ده‌سال است که در ترکیه بجای بنیانگذاری صنایع سنگین، تنها به ایجاد موسسات موتوژ اکتفا میشود. این ساختار اقتصادی سبب گردیده است که صنایع خصوصی ۶۰ درصد نیمه‌فرآورده‌ها و ۸۰ درصد وسائل تولید مورد نیاز خود را از کسرن‌های چندملیتی دریافت دارند. بدینسان نیازمندیهای وارداتی ترکیه بمراتب سریع‌تر از تولید صنعتی آن رشد یافته است.

بورژوازی بزرگ ترکیه میکوشد تا بحران اقتصادی کنونی را بسود خویش حل کند، بدین معنی که بار سنگین مشکلات اقتصادی را بردوش زحمتکشان بگذارد، گردآیی سرمایه را تشدید بخشد و بخش دولتی صنایع را به صاحبان خصوصی واگذار کند.

دولت دمیرل حداکثر کوشش خود را برای تحقق هدف نامبرده بعمل آورد. این دولت محدودیت‌هایی را که پیش از آن برای ورود سرمایه خارجی وجود داشت، از میان برد، تسهیلات صدور سرمایه داخلی را به خارج گسترش داد و با وضع قوانین جدید از امکانات سندیکاها کاست. چنانکه میدانیم، زمستان پیش، اعتصاب کارگران نساجی ازبیر با مداخله ارتش پایان یافت. در سالهای پیش، شرایط زندگی زحمتکشان

ترکیه سرعت بوخامت گزاید، در سالهای ۵۹-۱۳۵۷، درحالیکه دستمزد کارگران تغییریری حاصل نکرد، قیمت ارزاق عمومی تا ۷۰۰ درصد افزایش یافت. یک خانواده شش‌نفره، چنانچه حتی تمام ماه نان و پیاز بخورد، هزینه‌اش بالغ بر ۶۳۰۰ لیره ترکیه میشود، درحالیکه یک کرگر نساجی، ماهانه فقط ۴۰۰-۳۰۰ لیره درآمد دارد.

گرچه دولت دمیرل برای پیشبرد امیال بورژوازی بزرگ ترکیه، کسرن‌های خارجی و استراتژی‌های «ناتو» حداکثر آمادگی و «حسن‌نیت» را نشان میداد، ولی چنین می‌نماید که وی نتوانست رضایت کامل نیروهای نامبرده را تأمین کند. این محافل، حتی پیش از آنکه دولت دمیرل در زمستان سال پیش زمام امور را بدست گیرد، برای تأمین ادامه سیادت‌خود و حفظ منافع امپریالیسم در این منطقه حساس جهان، دو راه حل در نظر گرفته بودند: «اتلاف بزرگ» با حزب اجویت و یا دیکتاتوری نظامیان.

در تاریخ دوازدهم دیماه ۱۳۵۸، رهبری نیروهای مسلح ترکیه، در یادداشتی به رئیس‌جمهور آن کشور، سیاستمداران ترکیه را به بی‌ایق و عجز متهم ساخت. هرچند این یادداشت تهدید صریحی را درباره کودتا دربر نداشت، ولی نفی این اقدام، خطر کودتا را آزر می‌داد. هرچه باشد، هشت‌سال قبل از آن تاریخ نیز، نظامیان، پس از تسلیم یادداشتی مشابه به دولت دمیرل، به کودتا دست زده بودند!

یادداشت نظامیان ترکیه به دولت، مورد

کودتای امریکائی در ترکیه چرا صورت گرفت؟

استقبال محافل بورژوازی بزرگ کشورهای امپریالیستی قرار گرفت. «هندل‌بلات»، ارگن بورژوازی بزرگ جمهوری فدرال آلمان، در تاریخ یازدهم دیماه ۱۳۵۸ نوشت:

«اینکه دولت فدرال تصمیم گرفته است که پیش از کمک مالی، بدستگیری نظامی ترکیه بشتابد، اقدام صحیحی است. نه بخاطر جنگ‌افروزی، بلکه برای آنکه قدرت نظامیان افزایش یابد.»

«فرانکفورتی آلکمانه تسایونک» منتشره در آلمان غربی، از این نیز آشکارتر سخن گفت (۳۰ خرداد ۱۳۵۹):

«تنها استدلال موجهی که میشود به پشتیبانی از کمک نظامی و غیر نظامی (ترکیه) ارائه داشت، آنست که با حفظ چارچوب دموکراسی پارلمانی، میتوان در صورت لزوم آزادی عمل پاسداران لیت ترکیه، یعنی رهبران نظامی کشور را تأمین ساخت. شاید این واقعیت برای دمکرات‌ها زیاد خوش آیند نباشد، ولی اکثر جواب دیگر گوش‌های ما چیزی جز مخلفات نیست.»

یادآور میشویم که یکروز پیش از آن، «بوتستاک» (پارلمان بن‌پیشنهاد دولت رامنی‌بر واکزاری ۱۷۰ میلیون مارك «کمک تسلیحاتی ویژه» به ترکیه در سال جاری تصویب کرده بود. دولت آلمان غربی قرار است، علاوه بر ۳۳۰ میلیون مارك باصطلاح کمک اقتصادی، در سالهای آینده ۴۹۰ میلیون مارك دیگر نیز بعنوان «کمک تسلیحاتی» به دولت ترکیه واگذار کند. برگزاری کنفرانس وزیران خارجه «ناتو»

در ترکیه، در روزهای ۵-۴ تیر امسال، نوعی تیرین کودتای نظامی ۲۱ شهریور بود. چنانکه خبرنگار روزنامه «ملیت» در یک برنامه رادیویی گزارش داد، ۱۱ هزار سرباز، «بویژه از یگانهای که در مداخله قبرس ایقت خود را بشوت رسانیده بودند»، وظیفه «پاسداری» از محصل کنفرانس را بعهده داشتند. علاوه بر این، همه منطقه مربوطه بمحاصره درآمد و مدارس و موسسات دولتی بحدت دو روز تعطیل شد.

هرچند از مضمون مذاکرات محرمانه وزیران خارجه «ناتو» اطلاعاتی در دست نیست، با اطمینان میتوان گفت که اهمیت استراتژیک فزاینده ترکیه برای امپریالیسم، در این کنفرانس نقش بزرگی داشته است.

پس از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ایران، که ضربیای سهمگین به یکی از بزرگترین مواضع امپریالیسم در خاورمیانه فرود آورد، از جمله، به برچیدن تجهیزات جاسوسی آمریکا علیه اتحاد شوروی انجامید، ترکیه به یکی از آخرین سنگرهای حیاتی استراتژی «ناتو» در این منطقه تبدیل شد. ایالات متحده آمریکا هم‌اکنون ۶۱ پایگاه نظامی در ترکیه ایجاد کرده‌است. تازه این رقم پایگاههای متعدد «ناتو» را در این کشور دربر نمیگیرد.

در تاریخ ۹ فروردین امسال قرارداد نظامی میان ترکیه و ایالات متحده آمریکا به امضاء رسید، که محتوی کامل آن حتی از پارلمان ترکیه مخفی ماند. نمایندگان پارلمان، از ۱۰۰ صفحه قرارداد، سه متمم و ۱۴ پروتکل مکمل تنها شش صفحه از این سند تنگین وابستگی را رویت کردند. اما چنانکه هفته‌نامه «قیواسیتسمن» (بریتانیا) فاش ساخت:

«بموجب این قرارداد، ایالات متحده آمریکا خواهد توانست خارج از مرزهای جغرافیایی قرارداد، «ناتو» نیز به عملیات نظامی دست یزند.»

روشن است که در اینجا مقصود تنها خاورمیانه و خلیج فارس نمیتواند باشد.

بموجب پیمان دوجانبه‌ای که ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۳۰ (همزمان با ایران و پاکستان) با ترکیه امضاء کرده، دولت آمریکا «حق» آن را یافته است که در صورت لزوم، به مداخله نظامی مستقیم در ترکیه بپردازد. روزنامه «جمهوریت» در تاریخ ۲ اردیبهشت امسال، در گزارشی از یکی از نشست‌های کمیسیون دفاع پارلمان ترکیه، نوشت:

«فارقو شاهین، نماینده وزارت خارجه، به واقعیتی که دولتهای ترکیه تاکنون منکر آن می‌شدند، بطور غیرمستقیم اذعان کرد. وی اعلام داشت که به سؤال یکی از نمایندگان که: آیا چنین حتی برای ایالات متحده آمریکا وجود دارد، نمیتواند پاسخ مثبت یا منفی بدهد.»

البته تاکنون ایالات متحده آمریکا احتیاجی نداشته‌است که با استناد به قرارداد دوجانبه نظامی، به مداخله نظامی مستقیم در ترکیه مبادرت ورزد، چه پنتاگون پیوسته توانسته است که هدف خود را در آنجا از طریق کودتاهای نظامی اعمال کند. چنانکه احسان صبری، یکی از وزرای خارجه پیشین ترکیه، درباره کودتای سیاه ساخته نسال پیش در ترکیه نوشت:

«برای آمریکایی‌ها مهم نیست که در کشورهای دیگر دولتی دمکراتیک، شوونیست و یا حتی فاشیست حکومت میکند. برای آنها فقط این مهم است که این دولت آنچه‌اندازه وابسته به ایالات متحده آمریکا و دست‌نشانده آن باشد.» کودتای ۲۱ شهریور ۵۹ ترکیه باز دیگر این حقیقت را بشوت رسانید.

مشی سیاسی روزنامه «میزان» بهیچ ترتیب موافق نیستیم، اما با اشغال غیرقانونی آنهم مخالفیم و بهمین ترتیب است در مورد حمله به «کانون نشر حقایق» مشهد، که بهیچوجه قابل توجیه نیست.

به نظر ما، همچنانکه مقامات مسئول بدستی عمل کرده‌اند. چنانکه در مورد اشغال دفتر «جاما» هم انجام شده بود - مسیبان این حملات باید دقیقاً شناسائی شوند و بمجازات برسند و به افکار عمومی معرفی گردند.

به نظر ما اگر با قاطعیت و بدون تبعیض در چارچوب قانون اساسی از هرگونه حمله، تجاوز،

این زمینه روشن و اصولی و انقلابی است. حزب توده ایران قبل از هرچیز اقترای وارده به حزب ما را مبنی بر شرکت در چنین اعمال غیرقانونی و ضد انقلابی را قاطعانه محکوم و به شدت تکذیب میکند. در همانحال حزب توده ایران باز دیگر با صراحت تمام اعلام میکند که با هرگونه حمله، با هرگونه تشنج - آفرینی و درگیری، با هرگونه نقض قوانین کشور بشدت مخالف است، زیرا آنرا - صرف‌نظر از سوعیت و حسن‌نیت طراحان و اجراکنندگان - عملاً بسودامبر - یالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن میدانند. براساس همین موضع اصولی است که ما، با اینکه با

روابط مبارز و حزب توده ایران، که هدف اصلی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن هستند، زیر ضربه قرار میگیرند. و همه این نتایج - اگر حاصل آید - بسود چه کسی است جز امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن؟! فراموش نکنیم که در تاریخ جهان و ایران، از این نمونه‌ها و این شیوه‌ها فراوان بوده و هست که امپریالیسم و ارتجاع، برای نیل به اهداف شوم خود، چه حادثه‌ها آفریده‌اند و چه شرکده‌های شیطانی زده‌اند. قانون را اجرا کنید! موضع حزب توده ایران در

چه کسانی...

بقیه از صفحه ۱ به این حملات دست زده‌اند، که خود غیرمستقیم و بدون آنکه متوجه باشند، از طریق محافل معینی تحریک شده‌اند. علت هر کدام از موارد بالا باشد، نتیجه حاصله یکی‌است: اولاً - این نظریه ثابت میشود که در ایران آزادی نیست، حتی برای مسلمانان! ثانیاً - به حیثیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبر و بنیادگذار آن و به‌خط امام لطمه وارد میشود. ثالثاً - تفرقه و تشنج و درگیری در جامعه تشدید میشود.

دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور و امام جمعه تبران محکوم شده است، ولی با کمال تاسف خانه‌های ما همچنان در اختیار ما نیست. ما از همه مقامات مسئول می‌طلبیم که با اجترای دقیق و بدون تبعیض قوانین، خانه‌های حزب ما و دفاتر نام «مردم» در اسرع وقت در اختیار ما گذاشته‌شوند. تردید نباید کرد که فقط رعایت دقیق و بدون تبعیض امنیت قضائی، قانونیت و آزادی برای همه وفاداران به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

شگرد کهنه امپریالیسم: زدن بر چسب «کمونیستی» به جنبشها و انقلابهای رهایی بخش برای سرکوب آنها

مدتی است، و بویژه در این اواخر، لیرالها در ایران و نیز دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم، بهزار و یک زبان این دعوی را مطرح میکنند که گویا مسلمانان مبارز در ایران تحت تأثیر «توده ایها» قرار گرفته اند، آنها گویا از شی سیاسی «توده ایها» پیروی میکنند، مبارزه آنها با لیرالیسم سازشکار به تلقین «توده ایها» انجام میگیرد، اساسا لیرالیست و لیرالیسم «اصطلاح مارکسیستی» است و نباید بکار رود و الی آخر، این يك شگرد تبلیغاتی است که نه ویژه ایران است و نه تازگی دارد.

دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم و همه مخالفان جنبشهای انقلابی رهایی بخش استقلال طلبانه، همواره کوشیده اند بر این جنبشها برچسب «کمونیستی» بزنند و هر نیروی انقلابی راستین ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه را «کمونیستی» معرفی کنند. این بهره برداری از تبلیغات دراز مدت ضد کمونیستی برای رسیدن به اهداف سیاسی است: جدا کردن جنبشهای رهایی بخش از متحدان طبیعی آنها، یعنی کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری در عرصه بین المللی، جدا کردن و ایجاد نفاق بین نیروهای راستین انقلاب رهایی بخش و پیروان سوسیالیسم علمی (کمونیستهای اصیل) در داخل هر کشور به قصد شکستن جنبشها و انقلابهای رهایی بخش. موضوع را کمی بشکافیم، تا روشنتر شود. بیش از يك قرن است که دستگاه تبلیغاتی بورژوازی جهانی بر ضد جنبش کارگری ضد سرمایه داری و تئوری

مارکسیسم، و بیش از ۶۰ سال است بر ضد نظام اقتصادی-اجتماعی سوسیالیستی، که نخستین بار در روسیه جایگزین نظام سرمایه داری امپریالیستی شد، تبلیغ میکند. این تبلیغ، که همواره با وسعت بیشتر و برتکهای مختلف و با شکستن حدنصاب هر گونه دروغ سازی و دروغ پردازی انجام گرفته و میگیرد، از «کمونیسم» و از نظام اقتصادی-اجتماعی سوسیالیستی ازدهایی ساخته، که از بیم آن باید به افمی سرمایه داری امپریالیستی پناه برد! این نظام «سوسیالیستی» ساخته تبلیغات امپریالیستی، نظامی است که در آن فجایعی صورت میگیرد که تاریخ انسان و حیوان بخود ندیده است. بنا به این تبلیغات، در این نظام، استثمار و ظلم و ستم از بین نرفته که سهل است، آزادی و حق نفس کشیدن از مردم سلب شده که هیچ، رفاه و زندگی که وجود ندارد بجای خود، پیران را به دریا میریزند، زنان را «اشتراکی» کرده اند، کودکان را «دولتی» کرده اند، مومنان به مذاهب را قلمه قلمه کرده اند، زندان و شکنجه گاه یزرگی ساخته اند که جهنم در قیاس با آن بهشت برین است! و اما کمونیستها و مارکسیستها، جانوران آدمخواری هستند یا چهار چشم آتشین و دندانهای گراز گونه، که نفس آنها انسان را خاکستر میکند و هستی را میسوزاند! آنها، در بهترین حالت، دشمن

انسان، دشمن آزادی، دشمن استقلال، دشمن عدالت، دشمن خلق، دشمن مذهب، وابسته پیمان نظام کدانی، عامل خارجی، ستون پنجم و بی وطن اند! این محصول تبلیغات دراز مدت، بی-انقطاع و رنگارنگ امپریالیسم بر ضد نظام سوسیالیستی و بر ضد تئوری سوسیالیسم علمی و پیروان این تئوری است. امپریالیسم برای لجن مال کردن سوسیالیسم و پیروان سوسیالیسم علمی تنها به تبلیغات اکتفا نمیکند. گروهکهای متعدد و رنگارنگی میسازد همه به نام «کمونیست»؛ وظیفه اصلی و همگانی این «کمونیستها» ضد کمونیسم، بدنام کردن سوسیالیسم و کمونیستها است. اینان در کشور ما برای رسیدن به مقصود خود را مجاز به هر عملی میدانند، از اشاعه شعارهای انحرافی گرفته تا خرمن سوزی، از تبلیغ ضد شوروی گرفته تا اوباشگری در کوچه و خیابان، از پخش نشریات ضد مارکسیستی بنام مارکسیسم گرفته تا همکاری مسلح عریان با ضد انقلاب عریان.

همینکه این پندار در اذهان جا گرفت، امپریالیسم از آن بر ضد جنبشهای رهایی بخش استقلال طلبانه بهره برداری میکند. با زدن برچسب «کمونیستی» به این جنبشهای رهایی بخش و با زدن برچسب «کمونیستی» به هر نیروی انقلابی راستین ضد امپریالیستی و با زدن برچسب «کمونیست» به هر مبارز صدیق و بیگانه ضد امپریالیستی، امپریالیسم سعی میکند جنبشها و انقلابهای رهایی بخش را از کشورهای سوسیالیستی جدا و منفرد کند، نیروها و مبارزان راستین ضد امپریالیستی و استقلال طلب را از توده ها از یکسو و از پیروان راستین سوسیالیسم علمی - رزمندگان پیگیر ضد امپریالیسم از سوی دیگر، جدا کند، اتحاد طبیعی این دو نیروی انقلابی را در مبارزه مشترک استقلال طلبانه درهم شکند، هر يك را جداگانه تضعیف کند، تا بتواند هر دو را يك يك بکوبد.

ایجاد مصوبیت سیاسی برای خویشتن بخاطر ادامه سیاست سازش با امپریالیسم و مسخ انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی کشور ما است؛ ثابا تخطئه مثنی سیاسی نیروهای انقلابی راستین اسلامی است، که سرسازگاری با امپریالیسم را ندارند و با قاطعیت در راه کسب استقلال و آزادی واقعی و نوسازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفین مسی رزمند؛ ثالثا شکستن اتحاد علی اسلام راستین ضد امپریالیستی و خلقی بسا پیروان سوسیالیسم علمی (توده ایها)، پیشگیری از تشکیل جبهه متحد خلق، یعنی سندی است که «پنجره» بازگشت امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، را به کشور ما برای همیشه خواهد بست. ولی جریان وقایع و رویداد شرف نبرد آشتی ناپذیر با «شیطان بزرگ» و همه «شیطانهای» کوچکتر دست آموز او خوشبختانه نشان میدهد که انقلاب ظفر نمون بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران عزیز ما، که زیر پرچم اسلام راستین و برهبری امام خمینی پیروز گردیده، با شتاب و استواری همواره بیشتری بسوی پیروزی قطعی و نهائی در «خط امام» پیش میرود. «توده ایها» اقتدار دارند که با پشتیبانی از همین «خط» ضد امپریالیستی و مردمی، با تمام توان خود، سهم شایسته خویش را در این نبرد بزرگ سرنوشت سازی که خلق قهرمان ما با امپریالیسم به سرگردگی امپریالیسم جهانخواه و خونخوار آمریکا درگیر است، ادا کرده اند و میکنند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هتوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 378
25 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران



انزایش قدرت تجاوزی امپریالیسم امریکا در منطقه زیر پوشش «خطر شوروی»!

همزمان با تحریکات نظامی جدید امریکا در منطقه، مانور نظامی در مصر و افزایش حضور نظامی در اقیانوس هند و خلیج فارس، رسانه های گروهی امپریالیستی برای منحرف ساختن توجه خلقهای منطقه دست به بازی دیگری زده اند. این رسانه ها از قول چند روزنامه چاپ کویت اعلام کرده اند که گویا نیروهای اتحاد شوروی در یمن دمکراتیک تقویت شده اند و شوروی سرگرم ساختن پایگاه در این منطقه است. اصولا هر بار که امپریالیسم امریکا فعالیت و توطئه های نظامی جدیدی را در منطقه آغاز می کند، اراجیفی از قبیل «خطر شوروی» توسط بنگاههای سخن پرانی کشورهای امپریالیستی بطور وسیعی پخش میشود. بعنوان مثال، در آستانه امضاء موافقتنامه های نظامی امریکا با عمان و سومالی، ناگهان خبر «انزایش حضور نظامی شوروی در یمن جنوبی» منتشر شد. بعد از استقرار آواکسهای امریکایی در عربستان سعودی نیز گزارش مشابهی به سراسر جهان مخابره شد و سرانجام اکنون، در بجهت تحریکات جدید امریکا در منطقه و مانور سپاه واکش سریع در مصر، این اراجیف بطور وسیعی منتشر می شوند.

برتری طلبان چین نیز رژیم ارتجاعی ضیاع الحق را مسلح می کنند

تصمیم دولت چین در مورد ارسال سلاحهای نظامی از جمله هواپیماهای شکاری و موشکهای زمین به هوا به رژیم دست نشانده ضیاع الحق در پاکستان، در بسیاری از کشورهای آسیایی بعنوان گام دیگری در تحکیم اتحاد نظامی میان پاکستان و برتری طلبان یکن تلقی شده است. در اوایل سال جاری فرمانده نیروی هوایی پاکستان از چین دیدن کرد و موافقتنامه مربوط به تحویل سلاح از سوی چین به پاکستان را امضاء کرد. در حال حاضر فرمانده کل نیروی هوایی چین در پاکستان بسر می برد. تصادفی نبود که این دیدار با مانورهای هوایی پاکستان همزمان شده است. جاه طلبی های نظامی پاکستان از نیازهای دفاعی آن کشور تجاوز کرده است. رژیم پاکستان اکنون حدود ۶۰ درصد بودجه کشور را صرف تقویت نیروی نظامی می کند. از سوی دیگر رژیم پاکستان فهرستی از سلاحهای مدرن به مقام های غربی تسلیم کرده است. قرار است بودجه این سلاحها از سوی عربستان سعودی تامین شود. نظامی کردن پاکستان از چند کنایال، از طریق چین، کشورهای عضو پیمان ناتو و رژیم های ارتجاعی عرب صورت می گیرد.

ویتنام قهرمان آماج حمله های برتری طلبان چین

برتری طلبان یکن همچنان به تجاوز علیه خلق قهرمان ویتنام ادامه میدهند. خبرگزاری ویتنام گزارش داد: «در چند روز گذشته تویخانه چین به گلوله باران چند ناحیه مرزی ادامه داد. همچنین یک واحد نظامی چین وارد خاک ویتنام شد و تلاش کرد که محصولات کشاورزی و وسایلی ویتنامی را غارت کند، ولی گارد مرزی ویتنام و مردم محلی متجاوزین را وادار به فرار کردند.»

اسناد رسمی مداخله امپریالیسم و ارتجاع در امور اشغالیستان، در سازمان ملل متحد منتشر شد

«کتاب سبز» دولت افغانستان در مجمع عمومی سازمان ملل، به عنوان سند رسمی منتشر شد. این کتاب حاوی صدها عکس و سند زنده از مداخله امپریالیسم امریکا، ارتجاع عرب، رژیم دست نشانده پاکستان و نیز برتری طلبان یکن در امور داخلی افغانستان است. از جمله در این کتاب نشان داده می شود که چگونه باند های مزدور افغانی در پاکستان آموزش می بینند و به افغانستان فرستاده می شوند. از سوی دیگر شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، در سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت: مداخله ارتجاع جهانی و امپریالیسم در امور داخلی افغانستان ادامه دارد اما مردم افغانستان مصمم اند علیرغم این توطئه ها راه برگزیده شده خود را تا آخر ادامه دهند...

اتیوپی انقلابی در مبارزه با ارنیه شوم استعمار و امپریالیسم قاطعانه پیش می رود

در پی تعطیلات یک ماهه، صدها هزار نفر از شرکت کنندگان در کلاسهای مبارزه با بیسوادی در اتیوپی بار دیگر به سر کلاسها رفتند. این کلاسها با ابتکار جمعیت های دهقانی، کارگری و غیره در سرتاسر روستاها، کارخانه ها و سربازخانه ها تشکیل شده است... تا قبل از انقلاب، بیش از ۹۰ درصد مردم اتیوپی بی سواد بودند. مراحل اول برنامه سواد آموزی اکنون به پایان رسیده و مسئله مهم، افزایش میزان دانش میلیون ها تن از افرادی است که مراحل مقدماتی سواد آموزی را پشت سر گذاشته اند... هزاران تن از دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانها و دیگر قشرهای تحصیل کرده به روستاها رفته اند، در سرتاسر کشور برای ساختن مدارس جدید، کمکهای مالی جمع آوری می شود و در این راه کشورهای سوسیالیستی کمکهای ذی قیمتی در اختیار خلق اتیوپی قرار می دهند. مرحله چهارم سواد آموزی در اتیوپی در حالی آغاز میشود که دولت انقلابی اعلام کرده است که تا چند سال دیگر بیسوادی بطور کلی در کشور ریشه کن خواهد شد. علیرغم توطئه ها و تجاوزات مسلحانه از خارج، خلق اتیوپی مسین انقلاب را با موفقیت طی می کند.

کمیته اجرائی اتحادیه بین المللی دانشجویان: خلقها هر چه بیشتر برای حفظ تشنج زدائی و خنثی کردن توطئه های امپریالیستی از خود قدرت نشان میدهند

کمیته اجرائی اتحادیه بین المللی دانشجویان در گزارش به سیزدهمین کنفرانس این اتحادیه، که در برلین تشکیل شده است، اعلام کرد: «باتوجه به تحولات خطرناک در جهان، خلقها هر چه بیشتر برای حفظ تشنج زدائی و خنثی کردن توطئه های امپریالیستی از خود قدرت نشان می دهند. در گزارش همچنین آمده است: «این اتحادیه حداکثر تلاش خود را بعمل آورده است، تسای شرکت دانشجویان در مبارزه خلقها برای صلح و خلع سلاح، هر چه بیشتر تامین شود و مبارزه دانشجویان برای خلع سلاح، که از طرف این اتحادیه انجام می شود، بطور عمده همین هدف را در مد نظر دارد». این گزارش همچنین تصمیم کنفرانس دوازدهم را در مورد دست زدن به مبارزه زیر شعار: «آموزش يك حق است، نه يك امتیاز» و مبارزه برای اصلاح و دمکراتیک شدن آموزش، مورد تأیید قرار داد. همچنین در جریان کنفرانس اعلام شد که يك تیم از دانشجویان اتحادیه، مدت ۶ ماه در نیکاراگوئه آزاد شده به کار سواد آموزی مردم این کشور اشتغال داشتند.